

چکیده

با صنعتی شدن کشورهای اروپایی و امریکا، جامعه‌شناسی صنعتی به تدریج جای جامعه‌شناسی عمومی را گرفت؛ زیرا موضوعات اصلی این رشته از جامعه‌شناسی مسائل جامعه صنعتی بود.

در نیمه آخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم تصور دقیق و روشنی نسبت به جامعه‌شناسی صنعتی و وظایف آن وجود نداشت و غالباً آن را با جامعه‌شناسی بنگاه مترادف می‌پنداشتند. پس از جنگ جهانی دوم در نتیجه تلاش‌های علمای اروپای غربی و دانشمندان امریکایی تعریف دقیق از این علم به وجود آمد. با انقلاب دانشجویی، جامعه‌شناسی صنعتی به ورطه فلسفه اجتماعی و نظریات نئومارکسیستی افتاد و به طرز چشم‌گیری از حوزه وظایف و مسئولیت‌های خویش خارج شد، ولی پس از دهه هفتاد تدریجاً جایگاه اصلی و تعریف‌شده خود را بازیافت. در اواخر دهه نمود این علم بیشتر در استخدام بنگاه‌های تولیدی و خدماتی در آمد و جامعه‌شناسان به جای این که بنگاه را در رابطه با کل جامعه مورد مطالعه قرار دهند، با عینک مدیران و کارفرمایان خویش به تحقیق در مسائل بنگاهی پرداختند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب صنعتی، جامعه‌شناسی صنعتی، جامعه‌شناسی بنگاه، تولید انبوه، تولید متکی به سفارش‌ها، جامعه صنعتی.

مقدمه

امروزه بخش عظیمی از اقتصاد کشورهای اروپا، امریکا، آسیا و سایر نقاط شکل صنعتی یافته است. انقلاب صنعتی در کشور انگلیس به سبب شرایط خاصی که این کشور داشت، خیلی زودتر از سایر کشورها رخ داد. به‌طور خلاصه می‌توانیم علل آن را در سطح بالای وفاق ملی، ثبات سیاسی، تحقق اقتصاد پول و سلطه منطق بازار بر کلیه شئون اقتصادی، رفتار ریاضت‌مآبانه ثروتمندان انگلیسی که اکثر آن‌ها خود را به لباس نوکران ملیس می‌کردند، یک پارچگی اراضی زیر کشت و وجود نظام کارآمد حمل و نقل جستجو کرد. در این جوامع

صنعتی از هر سه تن یک نفر به نحوی زندگی و معاششان به صنعت پیوند خورده است. تولید صنعتی علاوه بر این که فنی سازی، راتسنیالیزه کردن، تخصصی کردن و بروکراتیزه سازی جریان تولید را به همراه می آورد، سبب چنان تغییر اساسی و ژرفی در احوال و طرز فکر مردم می شود که تغییر بنیادی نهادهای سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال دارد. ارزش ها، سنت های کهن، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی متعلق به دوران قبل از خود را دگرگون ساخته و سراسر شئون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متحول می سازد. به بیانی دیگر جامعه سستی تبدیل به جامعه صنعتی می شود، که البته در چنین جامعه ای جامعه شناسی عمومی جای خود را به جامعه شناسی صنعتی می دهد و وظایف آن را به عهد می گیرد (Faust. M. Jacuch, p: Notz, p.s.28)

به نظر هلموت شلسکی هدف جامعه شناسی صنعتی تغییر شرایط جامعه صنعتی نیست، بلکه پرداختن به عوارض ناشی از اقتصاد صنعتی است. من جمله مکانیزه شدن، راتسنیالیزه سازی بنگاه ها و جریان تولید در آن ها، تضادهای طبقاتی، افزایش بی رویه جمعیت، بزه کاری، اشتغال زنان به کارهای غیرانسانی و نارسایی ها و نابسامانی هایی که تا قبل از تحقق انقلاب صنعتی سابقه نداشته است.

برای بسیاری از جامعه شناسان زمان شلسکی، تفکیک وظایف جامعه شناس عمومی از جامعه شناس صنعتی - که قبلاً عهده دار وظایف این دانش در جوامع صنعتی بود - امری مشکل می نمود، چون همه موضوعاتی که جامعه شناسی عمومی در جوامع نیمه صنعتی و سستی بر عهده داشت، در جوامع صنعتی تبدیل به موضوعات جامعه شناسی صنعتی شده بود. در حوزه فرهنگ جامعه شناسی آن زمان به جای به کار بردن لفظ جامعه شناسی صنعتی، بیشتر از جامعه شناسی بنگاه نام برده می شد.

برخی از دانشمندان چون لئوبلد فن ویزه این مشکل را به این صورت بر طرف ساختند که واژه جامعه شناسی اقتصاد را به جای جامعه شناسی صنعتی به کار بردند و خود را از مخمصه تضاد بین اهداف جامعه شناسی عمومی و جامعه شناسی صنعتی (در جوامع صنعتی) خلاص کردند. گروهی همچنان از جامعه شناسی صنعتی سخن گفتند و بدین گونه حوزه وسیعی برای این دانش خواستار شدند و کارهای خود را بیشتر به روابط انسانی حاکم بر بنگاه های تولیدی کوچک و میانه - اعم از بنگاه های کشاورزی و صنعتی - متمرکز ساختند (Braczyk, H.J/Willsch. W. S 31) جامعه شناسی صنعتی که ارکان آن بر جامعه شناسی کار و جامعه شناسی بنگاه در اواخر قرن نوزده استوار بود، دانشی نوپا است و به هیچ وجه با سایر رشته های جامعه شناسی

از قبیل جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی دولت و جامعه‌شناسی‌های خرد دیگر - که سابقه آن‌ها به قدر عمر تمدن بشریت است - قابل مقایسه نیست، چه بی‌تردید خانواده و دولت از قدیمی‌ترین نهادهای زندگی انسان است و از قدیم‌الایام متفکرین به چگونگی و بهبود کیفیت آن‌ها اندیشیده‌اند، در حالی که اندیشه جامعه‌شناسی صنعتی در معنی دقیق کلمه به دهه سی و چهل قرن بیستم می‌رسد. در زمانی که بحث و گفتگو بر سر تعیین حدود و وظایف جامعه‌شناسی بنگاه در گرفته بود، گروهی از دانشمندان موضوعاتی را که به زندگی کارگران و کارمندان مربوط می‌شد، جزء زیرفصل‌های جامعه‌شناسی سازمان آوردند و علومی چون دانش کار، پزشکی کار، روانشناسی کار، روانشناسی صنعتی، تعلیم و تربیت در محیط کار و روابط انسانی در بنگاه‌های اقتصادی را جزء موضوعات و تیول خود پنداشتند.

در اروپا و آلمان در نیمه دوم قرن نوزده و اوائل قرن بیستم موضوعاتی که علمای علوم اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دادند، عبارت بود از تکنیک و تکنیزه شدن جریان تولید، کار صنعتی، رفتار مصرف‌کننده و تولیدکنندگان جامعه‌صنعتی، مسائل مزد و پرداخت‌ها، شادی و رضایت از کار، تضاد بین کار و سرمایه، تضادهای طبقاتی و موارد مشابه. غالب محققان این دوره تحقیقات خود را در چارچوب جامعه‌شناسی کار و جامعه‌شناسی بنگاه انجام می‌دادند.

در همین ایام واژه جامعه‌شناسی صنعتی و جامعه‌شناسی بنگاه به‌طور مترادف به کار می‌رفت؛ در حالی که با هم متفاوت‌اند. جامعه‌شناسی صنعتی به آثار صنایع بزرگی چون کارخانجات ذوب آهن و فولادسازی، کارخانجات اتومبیل‌سازی و غیره که به واسطه اهمیت سرمایه‌گذاری و تعداد پرسنل زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای را دچار تحولات ژرف می‌کنند، می‌پردازد. اما موضوعات تحقیق جامعه‌شناسی بنگاه مربوط به کارهای تولیدی و خدماتی در بنگاه‌های کوچک و میانه، بنگاه‌های کشاورزی و دام‌پروری و خدمات میانه می‌باشد.

در آلمان، از کسانی که خواستار تفکیک حوزه جامعه‌شناسی بنگاه از جامعه‌شناسی صنعتی شدند، ل. اچ. گک بود. در همین زمان انگلیسی‌ها بر تحقیقاتی که در خصوص وضع کارگران و بنگاه‌های صنعتی انجام می‌شد، نام جامعه‌شناسی صنعتی نهادند. امریکایی‌ها بر این‌گونه تحقیقات عنوان جامعه‌شناسی کار نهادند و جامعه‌شناسان آلمان نام جامعه‌شناسی بنگاه را بر تحقیقات خود گذاشتند.

همان طوری که در جامعه‌شناسی عمومی متداول بود، کسانی که اولین تحقیقات میدانی را درباره بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی آغاز کردند، روش‌هایی را به کار بردند که در جامعه‌شناسی عمومی نیز متداول بود. این روش‌ها عبارت بودند از:

۱. تحقیق و بررسی در خصوص اسناد (روش اسنادی): اسناد و مدارک مورد علاقه جامعه‌شناسی بنگاه، پرونده‌های استخدامی پرسنل و کارگران، کارت‌های شغلی، صورت مذاکرات مربوط به مزد و حقوق و موارد مشابه بود.

۲. شرکت محقق در جریان کار تولیدی: محقق شخصاً در یک بنگاه تولیدی به صورتی که کارگران و کارمندان حضور او را به عنوان محقق درک نکنند، مشغول به کار می‌شود.

۳. استفاده از آمار تهیه شده توسط دیگران

۴. استفاده از آمار تهیه شده توسط خود محقق

۵. همه پرسی از طریق مصاحبه، چنان که در به‌دست آوردن اطلاعات راجع به موضوع تحقیق می‌شود.

۶. برگزاری کنگره‌های علمی و جمع‌آوری نتایج تحقیقات و گفت و شنودهایی که در کمیسیون‌های تخصصی انجام می‌گیرد.

۷. جامعه‌سنجی

۸. آزمایش علمی

هر کدام از روش‌هایی که ذکر شد، مزایا و مضاری دارند که بررسی آن در این مختصر نمی‌گنجد.

مدت‌ها مرز بین جامعه‌شناسی بنگاه و اقتصاد صنعتی و مدیریت صنعتی نامشخص بود و هر کدام از این رشته‌ها مسائل کارگری و کارمندی، تکثیره شدن جریان تولید، را تسنیلیزه شدن و بروکراتیزه شدن جریان تولید را جزء تیول خود می‌دانستند تا این که پس از جنگ دوم جهانی به تدریج تفکیک این حوزه‌ها از یکدیگر ممکن شد. تحقیقات التون مایو و سایر تلاش‌هایی که جامعه‌شناسان صاحب نام اروپائی و امریکایی درباره ایجاد یک روش واحد نگرش به مسائل کارگری و کارمندی، تکثیره شدن، را تسنیلیزه شدن، تخصصی شدن و بروکراتیزه شدن جریان تولید انجام دادند، فصل جدیدی را بر جامعه‌شناسی صنعتی افزود که به بیان سیر تکوینی آن می‌پردازیم.

سیر تکوینی جامعه‌شناسی صنعتی

انقلاب صنعتی در کنار معضلات و مشکلاتی که برای جامعه بشری به بار آورد، رشد اقتصادی، رفاه نسبی مادی، توسعه راه‌ها، روابط گسترده بازرگانی، زندگی جدید شهرنشینی و مواهب مشابهی را نیز به ارمغان آورد. و چون انقلاب صنعتی توأم با رشد اقتصادی و رفاه مادی بود، مردم اروپای قرن هجده توجه خاصی به کتب اقتصادی نام‌آوران دانش اقتصاد- که غالباً حاوی رموز پیروزی این انقلاب بود- داشتند. کتاب ثروت ملل آدام اسمیت از اقبال بی‌نظیری برخوردار شد و توجه به آثار علمای مکتب اقتصادی کلاسیک (در خاستگاه آن انگلیس) چنان شدت گرفت که آثار جامعه‌شناسان و الامقامی چون هربرت اسپنسر برای مدتی مورد بی‌اعتنایی و عدم توجه واقع شد (آبراهام، ۱۳۶۳: ۳۵۲).

با پدیدار شدن مشکلات و مسائل اجتماعی و اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی، بیکاری، اختلافات شدید طبقاتی، بزهکاری و بی‌بندوباری اخلاقی، موج انتقادات معترضین به این انقلاب به وجود آمد.

سوسیالیست‌های تخیلی هر کدام به صورتی به نقد و بررسی وضع جامعه زمان خود که در حال صنعتی شدن بود، پرداختند. برخی از آن‌ها چون پرودن دولت را حامی غیرمستقیم افزایش فقر و اختلافات طبقاتی معرفی کردند و نوشتند: «در یک جامعه استیلا و تسلط فرد بر فرد به‌طور مشخص متناسب با رشد فکری افراد است. از آن‌جا که مردم عدالت را مساوات می‌دانند، نظم جامعه با از بین رفتن قدرت قاهره دولت عملی می‌گردد» (وچیدی: ۲۵۷).

برخلاف پرودن که ریشه مصائب اجتماعی را در صنایع بزرگ می‌بیند، سنت‌سیمون موافق صنایع بزرگ است، می‌گوید: «هدف اصلی همه اندیشه‌ها و کوشش‌های ما بایستی در راه به وجود آوردن سازمانی باشد که تا حد مقدور به توسعه و تقویت صنایع کمک کند» (همو: ۲۶۶).

شارل فوریه مخالف نظام سرمایه‌داری بود و برخلاف سنت‌سیمون که شیفته تولید صنعتی بود، جریان تولید ماشینی را فوق‌العاده مضر و فلاکت‌بار می‌دید. به نظر او سرمایه‌داری و اصل رقابت که یکی از ارکان آن‌ست، موجب فقر و بیچارگی اکثریت مردم می‌شود. در این باره خاطر نشان می‌شود که «دنیای سرمایه‌داری خواناخواه گرفتار فقر معنوی می‌شود و جامعه سرمایه‌داری جامعه‌ای است که در آن عاملان و مسببان گرسنگی و فقر مردم زندگی مطمئن و آرامی دارند» (همو: ۲۷۱).

سیسموندی نسبت به آینده سرمایه‌داری و صنعت خوشبین نیست و برخلاف ژان بابتیست سی معتقد است که «در اقتصاد سرمایه‌داری در حالی که مزدکارگر فقط تا آن اندازه است که زیستن او را امکان‌پذیر می‌سازد، سرمایه‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری در ماشین گردآورده شده و در نتیجه محصولات صنعتی افزون می‌شود، در حالی که مقارن با این وضع تقاضا برای مصنوعات کاهش می‌یابد» (همو: ۲۷۱).

برای این وضع خواه ناخواه ادوار تجاری بحران‌های متناوب اقتصادی را به وجود می‌آورد که در اثر آن سرمایه‌های بسیاری که بیش از ظرفیت و توان اقتصادی در صنایع به کار افتاده بودند، معطل می‌مانند و کارگران بیکار می‌شوند (همو: ۲۷۷).

رابرت اون در خاستگاه انقلاب صنعتی یعنی انگلیس، علیه نظام صنعتی مدرن زمان خود به تبلیغ می‌پردازد و بر نارسایی‌های فردگرایی تأکید می‌کند. او به جای تقویت فردگرایی نهضت تعاون سرمایه‌داری را پیشنهاد می‌کند و برای اولین بار واژه سوسیالیسم را در مقابل فردگرایی^۱ قرار می‌دهد (همو: ۲۸۶).

لویی بلان چنان از حرکت صنعتی شدن جامعه خود و سایر کشورهای در حال صنعتی شدن به وحشت افتاده بود که نوشت: «در شرایطی که رقابت در اقتصاد حکومت کند، کاهش تدریجی مزدها بدون استثنا به صورت یک قانون همگانی درمی‌آید. در برابر افزایش دائمی جمعیت باید مادران را عقیم کرد؛ زیرا اگر این کار نشود، کره زمین برای ساکنان آن که مجبورند برای ادامه زندگی با هم بستیزند، تنگ می‌شود. وقتی ماشین تازه‌ای اختراع شد، باید آن‌را خرد کرد و دانش را ناسزا گفت و اگر شما این کار را نکنید، هزارها کارگر که ماشین تازه آن‌ها را بیکار کرده، بر کارخانه‌ها هجوم می‌آورند و مزد کارگران شاغل را پایین می‌آورند» (همو: ۲۸۹).

او در نهایت از دولت می‌خواهد که با دخالت خود بر رقابت اقتصادی لجام زده و آن‌را کاملاً کنترل کند. در سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰ بدینی نسبت به آثار سوء صنعتی شدن اوج گرفته بود. دیوید ریکاردو بین سال‌های ۱۷۸۲-۱۷۷۲ کتاب اصول سیاست اقتصادی خود را منتشر کرد. این اثر ضمن این که به بهبود وضعیت کارگران صنعتی اشاره‌های فراوان دارد، به گونه ثروت ملل آدام اسمیت به آینده طبقه کارگر صنعتی خوشبین نیست، ضمن این که رانت را خطری جدی برای سودسرمایه‌ها معرفی و پیش‌بینی می‌کند که به تدریج اهمیت و ارزش نیروی انسانی به وسیله ماشین‌های مولد تنزل خواهد یافت.

پروودن در سال ۱۸۴۶ یعنی دو سال قبل از انقلاب سال ۱۸۴۸ معتقد بود که فقر کارگران و طبقات محروم فزونی خواهد یافت و آن‌ها وارد عرصه عمل شده دست بر عصیان و شورش علیه نظام موجود خواهند زد. مارکس مانی‌فست کمونیسم را نوشت و در آن از سرنوشت شوم سرمایه‌داری سخن به میان آورد. علاوه بر این آگوست کنت، اسپنسر، دورکیم شملر و فردیناند تونیس که از پایه‌گذاران جامعه‌شناسی قرن نوزدهم به شمار می‌روند، مسئله اجتماعی را چون سوسیالیست‌های تخیلی محور اصلی تفکر خود قرار دادند. دانش اجتماعی جدید به نظر آن‌ها بایستی با موضوعاتی چون تقسیم کار اجتماعی، مبارزه طبقاتی و رهایی انسان از زنجیرهایی که صنعت در جهت اسارت و بیگانگی انسان به وجود آورده است، پردازد. این دانش چگونگی نابود شدن نهادهای اجتماعی قدیم را که به وسیله ترقی و رشد اقتصاد صنعتی تحقق می‌پذیرفت، مورد مطالعه قرار داده و اندیشه‌ها و پیش‌بینی‌هایی راجع به جایگزین شدن آن‌ها به کمک نهادهای جدید می‌کرد. همچنین مارکس که ابتدا در اندیشه دانش جامعه‌شناسی دانشگاهی نبود و قصد آموختن آن را نیز نداشت، صنعت را ستون فقرات جوامع اروپایی در حال صنعتی شدن معرفی کرد و بیشتر به مسئله اجتماعی این جوامع به‌عنوان مهم‌ترین مسئله توجه می‌کرد.

در قرن نوزدهم سه مسئله اساسی مطرح بود:

۱. تقسیم کار اجتماعی و مسائل و معضلات ناشی از آن.
۲. بیگانگی به‌عنوان یک مشکل بزرگ طبقه کارگر و انسان جامعه سرمایه‌داری.
۳. مسائل جامعه‌طبقاتی جدیدالولاده.

البته تقسیم کار اجتماعی کمتر از سوی اقتصاددانان - به استثنای مارکس - و بیشتر از جانب فلاسفه اجتماع و اندیشه‌ورزان اجتماعی با نگاهی انتقادآمیز نگریسته می‌شد. جانتک^۱ از تغییر ساختار خانواده‌های سنتی و تحول و تغییر آن‌ها به خانواده‌های جدید هسته‌ای خبر می‌داد و معتقد بود که جامعه صنعتی پس از پذیرش اصول اقتصاد پول^۲ قادر به ترک فضای آن نخواهد شد. اقتصاد پول زمانی در جوامع غربی به‌خصوص چند کشور مهم صنعتی مرکز اروپا و آمریکا جا افتاد که ارزش مبادله‌ای در اکثر مبادلات بر ارزش استعمالی کالاها سبقت گرفته و مردم به این نتیجه رسیده بودند که سعی مفید برای انسان هنگامی تحقق می‌پذیرد که بتواند امکانات

1. Jantke

2. Geldwirtschaft

ذهنی و مادی خود را به نحوی تبدیل به پول و قدرت خرید سازد (Simmel. G. s21. ff) و مثلاً ارزش دانش خود را با امکان تبدیل آن به درآمد و به طور خلاصه بر مبنی شعار «وقت طلا است» که ابتدا بر سر در خاستگاه انقلاب صنعتی آویخته شده بود، ارزیابی کند (Schmoellers. 6. S. 17. ff).

در چنین شرایطی علاوه بر این که ارزش کار بر مبنی ارزش پولی آن و قدر و مقام علمی بر اساس کاربرد آن در جهت افزایش درآمد صاحب آن سنجیده می شود، تدریجاً مردم در ارزیابی ارزش ماهوی و حیثیت انسانی، خود ارزش مبادله را بیشتر مورد توجه قرار خواهند داد و هر کس به هر دلیل دسترسی بیشتر به پول به عنوان منشاء قدرت و حیثیت اجتماعی داشته باشد انسانی شریف تر و ارزنده تر جلوه خواهد کرد. (Luhmann. N.S. 57-59) به نظر جانتک انسان جامعه سرمایه داری قادر به خروج از چنین فضایی نخواهد بود و نخواهد توانست احوال و شرایط جامعه سنتی را تجدید کند. خیلی زودتر از سایرین لورنس فن. اشتین (1815- 1890, Lorenz. Von. Stein) واژه جامعه صنعتی^۱ را وارد مباحث اجتماعی کرد. او مسئله اجتماعی ناشی از تضادهای طبقاتی را نتیجه اجتناب ناپذیر انقلاب صنعتی دانست و نسبت به آینده سرمایه داری چندان خوشبین نبود. اسپنسر که نیز در این ایام می زیست، [برداشتی ارگانیکی در مورد اجتماع داشت، یعنی ساختمان اجتماع را چون بدن انسان تابع قوانین تکامل خاصی می پنداشت، اجتماعات بدوی را اجتماعات رزمی می دانست و معتقد بود که ارتش در بین آن ها قدرتمندترین واحدها است. به نظر او تا وقتی که مردم محتاج به ارتزاق از طریق چپاول و دزدی باشند و نتوانند با ارائه کار عادی و آزاد زندگی خود را اداره نمایند، قدرت ارتش در مسئله تقسیم کار و امرار معاش مردم تعیین کننده خواهد بود. از خواص جوامع ارتشی قدرت فوق العاده دولت، اختلافات طبقاتی، سیستم پدرسالاری و تحقیر زن است. او برای تحقق بخشیدن به انتخاب آزاد شغل، پیاده کردن صنایع سنگین را پیشنهاد می کرد. بنا به باور او در اجتماعی که کار آزاد در واحدهای صنعتی سنگینی صورت گیرد، به تحقق رساندن دموکراسی در آن اجتماع نیز ضمانت شده است (صدرنوبی، ۱۳۵۴: ۷۴-۷۳).

در آن زمان اندیشمندان معتبری همچون سنت‌سیمون، کارل مارکس و نویسندگان مقالات فابیان^۱ در انگلیس تحت تأثیر مقولات هگلی (وت. ستیس، ۱۳۵۲: ۱۸۳) و نظریه اضداد اوچون «ثروت» و «فقر» هگلی بودند.

در آثار آنان بیشتر سخن از این می‌رفت که طرز تولید صنعتی یک تضاد منافع جدید بین انسان‌ها به وجود آورده است و پاشنه گرد آن فردگرایی توأم با سودجویی است. البته منتقدین اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن زمان از تحقیقات میدانی خیلی دیر استفاده کردند. در اواخر قرن نوزده علمایی چون فریدریک لوبله^۲ در فرانسه و شارل بوث^۳ در انگلیس (لندن) و رنتری^۴ در آمریکا (نیویورک) از روش‌های تحقیق میدانی استفاده کردند.

هر چند نتایج تحقیقات این محققان ثمرات ارزنده‌ای برای شناخت علمی بیطرفانه وضعیت کارگران صنعتی به همراه آورد، ولی نهایتاً منجر به طرح سئوالاتی شد که پاسخ برخی از آن‌ها جنبه‌های متافیزیکی داشت (Lutz.B/Schmidt. G.S 101-163). با وجود این جامعه‌شناسی صنعتی در مفهوم دقیق کلمه در اواخر قرن نوزده پیدایش یافت. ب. لوتس^۵ و گ. شمید^۶ شرح مبسوطی در این باره در فرهنگ تحقیقات میدانی علوم اجتماعی که به وسیله جامعه‌شناس صاحب‌نام رنه. کینگ^۷ منتشر می‌شد، آورده‌اند (Lutz. B/ Schmidt.G.). در انگلیس دانشمندانی چون چارلز بوژ^۸ سیدنی^۹، بناتریک، و ب^{۱۰} و در آلمان اتحادیه برای سیاست اجتماعی به رهبری هرکنر^{۱۱} و ماکس وبر تحقیقات در خورتوجهی در موضوعات بنگاه‌های صنعتی و کارگران صنعتی انجام دادند.

گک L.H.Geck در کبابی که به سال ۱۹۵۱ تحت عنوان تاریخ پیدایش جامعه‌شناسی بنگاه (Geck.L.H.1951) منتشر ساخت، پیدایش جامعه‌شناسی صنعتی را به سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۰۰ مربوط می‌کند. در این کتاب او آثار بنگاه‌های صنعتی را بر زندگی مردم مورد بررسی قرار می‌دهد و تحقیقات و تلاش‌های دانشمندانی چون گوستاو اشمولر^{۱۲} را به عنوان پایه‌گذاران دانش اجتماعی و جامعه‌شناسی بنگاه می‌ستاید (Issing.otmar.S.119). به نظر او گوستاو اشمولر در اثر خود به نام اصول علم اقتصاد عمومی علاوه بر توجه

1. Fabian Essays

4. Seebofm. Rowntree

7. R.Koeln

10. Beatrice- Webb

2. Frederic Lepeay

5. B.Lutz

8. Scharles Booth

11. Herkner

3. Scharles Booth

6. G.Schmilt

9. Sidney

12. Gustav Schmoeller

خاص به جنبه‌های عینی تحقیقات اجتماعی، تاریخی و اقتصادی تأکید ویژه‌ای بر اهمیت بافت قومی و شرایط تاریخی برای شناخت‌های اجتماعی و اقتصادی دارد (Schmoeller.G. 1900).

گوستاو اشمولر، برنو هیلد براند،^۱ کارل روشر^۲ و سایر اعضای مکتب تاریخی آلمان کسانی هستند که غیر معقول بودن ادعای لیبرالیست‌ها را در خصوص قانونمندی‌های اقتصادی مورد تردید قرار دادند و مدعی شدند که قوانین هر دوره تاریخی و هر قومی برای همان دوره و همان قوم قابل قبول است و به هیچ وجه آن‌ها را نمی‌توان به سایر ادوار و اقوام تعمیم داد. آن‌ها قوانین اساسی این مکتب از قبیل قانون عرضه و تقاضا، قانون بازده نزولی و غیره را بر اساس همین طرز فکر مورد انتقاد قرار می‌دهند و آن‌ها را در خصوص همه ادوار جوامع صنعتی و همه اقوام صائب نمی‌دانند. به نظر آنان بهتر بود که لیبرالیست‌ها برای هر قوم و دوره تاریخی قوانینی را کشف کنند که از نظر بافت قومی و فرهنگی و زمان تحقق محدود به وضعیت و زمان مشخص باشد.

در آمریکا توراشتین. ویلن^۳ درباره اهمیت عامل انسانی در جریان تولید تحقیق کرده و به نقش کارفرمایان و عامل انسانی در بنای جامعه و اقتصاد پرداخته است. او در این تحقیقات بیشتر به خصوصیات طبقه کارفرما، عملکرد اقتصادی، و تبیین تضادهای اجتماعی جوامع عصر خویش توجه کرده است. در انگلیس دانشمندانی چون سیدنی و هنری تونی^۴ به مسائل بنگاه‌های صنعتی و موضوعات مربوط به کار صنعتی پرداختند و در فرانسه امیل دورکیم در اثر خود با عنوان تقسیم کار اجتماعی به آثار کار بر زندگی اجتماعی و زندگی شغلی کارگران صنعتی اشارات ارزنده‌ای کرد. او ضمناً سخن از تقسیم کار اجتماعی در بنگاه‌های صنعتی به میان آورد و به تفاوت‌های کارهای مکانیکی و کارهای ارگانیکی توجه کرد. و علاوه بر این مطالب فوق‌العاده باارزشی درباره نقش کار در تولید اختلافات طبقاتی، حفظ اختلافات طبقاتی و تحکیم حاکمیت در بنگاه ارائه کرده است.

ورنر سومبارت^۵ نیز از دانشمندان صاحب نامی است که اندیشه‌های شایان توجهی درباره جوامع صنعتی، روابط انسانی و اثر بنگاه‌های صنعتی بر زندگی مردم عرضه کرده است. ماکس وبر و بعدها لئوپلد فن ویزه به جریان تولید صنعتی، سازمان کار اجتماعی، بروکراسی و مسائل کارگری عنایت خاصی داشتند. ماکس وبر علاوه بر توجه خاص به مسائل کارگری بنگاه‌های صنعتی، نگاهی موشکافانه به پدیدار شدن بروکراسی، قشر

1. Bruno. Hildebrand
2. K. Rosche
3. Thorstein. Veblen
4. H. Tauney
5. Werner. Sombart

کارمند و مسئله شغل دارد و با دقتی درخور تحسین شرایط و قواعد لازم را بعنوان شرایط کارمندی و رفتار بروکراتیک کارمندی به رشته تحریر آورده است که در نوع خویش در زمان خود و عصر حاضر بی نظیر و ماندگار شده است (Marcuse.H. S. 39.f).

در همین ایام یعنی در سال ۱۹۱۷ مؤسسه تحقیق در بهداشت صنعتی^۱ در انگلیس شروع به تحقیقات میدانی ارزنده‌ای درباره بنگاه‌های صنعتی و مسائل کارگری کرد و در آمریکا به سال ۱۹۲۰ آزمایشگاه هاروارد^۲ تحقیقات عملی مفصلی درباره کار صنعتی و مسائل صنعتی آغاز کرد که به سهم خود اهمیت به‌سزایی در پیشبرد جامعه‌شناسی صنعتی داشت. در آلمان اتحادیه برای سیاست اجتماعی^۳ به سال ۱۹۰۷ به همت علمای صاحب‌نامی چون آلفرد وبر^۴ برادر ماکس وبر، هرکتر^۵ و گوستاو اشمولر^۶ تحقیقات میدانی ارزنده‌ای را درباره بنگاه‌های صنعتی آغاز کردند.

ف. و. تیلر^۷ تحقیقات ارزنده‌ای در جهت بهینه‌سازی بهره‌برداری از نیروی انسانی در بنگاه‌های صنعتی و اهمیت موقعیت‌های شغلی در کارگاه‌های تولیدی به عمل آورد. او تضاد منافع طبقه کارگر و مالکان ابزار تولید را (تضاد کار و سرمایه) به کل مورد تردید قرار داد. و نشان داد که اگر در یک بنگاه بهره‌برداری از نیروی انسانی بهینه‌سازی و کارهای لازم و ضروری در جریان تولید انجام شود و مزد و حقوق دل‌گرم‌کننده به کارگران و کارمندان پرداخت شود، تضادی اساسی و درخور توجه بین منافع کارگر و کارفرما به وجود نخواهد آمد. به نظر او سعادت و آینده قرین با توفیق صاحبان سرمایه و کارفرمایان در گرو رفاه و سعادت طبقه کارگر است. به نظر او بنگاه یک واقعیت محض اقتصادی نیست، بلکه یک پدیده عینی جامعه اطراف است که لازم است با نگاهی جدید آن را مورد بررسی و تحقیق قرار داد. نگاهی که توان دیدن همه آثار آن را در شئون اقتصادی و حیات اجتماعی و سیاسی کارگران و کارمندان و سایر اعضای جامعه را داشته باشد. البته اعتقاد او به این که برانگیزاننده اصلی کارگران و کارمندان در جهت کار بهتر و بیشتر مزد است، جنبه‌ای است که بعداً از سوی مکتب روابط انسانی بخصوص التون مایو مورد انتقاد واقع شد. در آلمان و خیلی از کشورهای اروپایی بحث‌های مفصل و ارزنده‌ای بر سر درستی و نادرستی آراء و نظریات التون مایو در گرفت و همین مجادلات

1. Industrial Health Research Board

3. Verein Fuer Sozialpolitik

5. Herkner

7. Frederick. Winslow. Taylor

2. Harvard. fatigue Laboratory

4. A. Weber

6. G. Schmoeller

علمی خود منشأ تحقیقات و پژوهش‌های جدید و پرثمری در جهت جامعه‌شناسی صنعتی گردید (Wuntsch, M.V. 1988).

گوتس بریف^۱ در سال ۱۹۳۱ مقاله‌ای درباره کار در بنگاه‌های صنعتی نوشت که در آن به کار در بنگاه‌های صنعتی و روابط انسانی و مدیریت اشارات ارزنده‌ای شده است (Briefs, G. 1959, s. 31-32). سزاوار است که سهم اقتصاد ملی^۲ و سیاست اجتماعی^۳ را در به ثمر رسانیدن جامعه‌شناسی صنعتی در کشور آلمان یادآور شویم. چون این دو دانش مسئله اجتماعی بنگاه‌های صنعتی، مسائل اجتماعی و اقتصادی و نابرابری و عدالت اجتماعی و تأمین اجتماعی را به تفصیل مورد بحث و گفتگو قرار داده‌اند و نتایج این گفتگوها در پیدایش جامعه‌شناسی صنعتی آلمان اهمیت به‌سزایی داشته است.

برنامه اتحادیه برای سیاست اجتماعی تحت تأثیر ماکس وبر، اشمولر و آلفرد وبر بیشتر توجه به بنگاه‌های بزرگ صنعتی داشت و هدف اصلی‌اش بررسی فرصت‌های شغلی، بیان وضع معیشت کارگران و نشان دادن ابعاد زندگی صنعتی بود. در طرحی که به سرپرستی علمایی چون هرکتر^۴ اجرا شد، پرسش‌هایی در چارچوب یک آنکت^۵ درباره موضوعات زیر صورت گرفت:

۱. ریشه اجتماعی و جغرافیایی کارگران؟

۲. اصول انتخاب کارگران؟

۳. شرایط روانی و شرایط جسمانی جریان تولید؟

۴. شرایط کارآیی کارگران؟

۵. شانس‌های ارتقاء کارگران در محل کار؟

۶. ساختار اجتماعی جامعه کارگران؟

۷. قدرت تطبیق کارگران با شرایط بنگاه‌ها.

در مجموع هفت منوگرافی در خصوص موضوعات یادشده از سال‌های ۱۵-۱۹۱۰ منتشر شد.

1. Goetz, Berief
2. Nationaloeconomie
3. Sozialpolitik
4. H.Herkner
5. Enquete

در همین سال‌ها ماری بارنیس^۱ برای آگاه شدن به وضعیت کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی راین^۲ آلمان در این کارخانجات مشغول کار شد و سعی می‌کرد به‌عنوان فردی شاغل فرصت مشاهده مستقیم جریان تولید و وضع کارگران این بنگاه بزرگ را بدست آورد. نتایج تحقیقات او مربوط به وضعیت کارگران و جابجایی آن‌ها می‌شد. ضمن این که محقق بر وجود گروه‌های فعال درون بنگاه اشارات مفصلی نموده؛ سعی کرده است تصویری نسبتاً روشن از سلسله مراتب موجود در این بنگاه ارائه کند.

در این تحقیق به اهمیت مزدهای تشویقی در افزایش کارآیی^۳ اشاره شده است و پیشنهادهایی هم برای دل‌انگیز کردن کار و رشد ریاضت‌شغلی ارائه شده است.

در حالی که در ایام جنگ جهانی اول رشد جریان صنعتی شدن کشور انگلیس موجبات پیشرفت سریع جامعه‌شناسی کار و مشاغل و جامعه‌شناسی صنعتی را فراهم ساخت، در آلمان طی جنگ جهانی اول رشد صنعت متوقف و تحقیقات جامعه‌شناسی صنعتی و جامعه‌شناسی کار و مشاغل دچار رکود شد.

پس از جنگ جهانی اول تحقیقات جامعه‌شناسی صنعتی وسیله آثار علمی علمایی که تحقیقات، انفرادی انجام می‌دادند، رونق یافت. در سال ۱۹۲۲ هلباکس^۴ و لانگس^۵ تحقیقی تحت عنوان تولید صنعتی گروهی^۶ منتشر ساختند که مورد استقبال شایان توجهی واقع شد. در همین ایام اوگن روزن‌استوک^۷ تحقیقی درباره موقعیت شغلی و نقش‌های صاحبان موقعیت‌ها در بنگاه‌های صنعتی با عنوان موقعیت کارگاهی^۸ منتشر ساخت. گنل اوتل‌لین‌فلد^۹ دو کتاب ارزنده با عناوین اقتصاد و فن آوری^{۱۰} و اصول اقتصاد اجتماعی^{۱۱} به رشته تحریر درآورد که موضوعات اصلی آن‌ها به جامعه و صنعت مربوط می‌شد. در همین ایام ژرف. وینشو^{۱۲} نتیجه تحقیقات خود را که بیشتر به مسائل تأمین اجتماعی رفاه کارکنان و مسائل سیاست اجتماعی اختصاص یافته بود، منتشر ساخت. در اواخر دهه بیست لئوبلد فن‌ویزه^{۱۳} در کتابی تحت عنوان دانش روابط انسانی^{۱۴} اهمیت صنعت در زندگی اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. این تحقیق علاوه بر این حاوی مروری موشکافانه بر تحقیقات گذشته نیز هست.

1. Marie. Bernays

4. Willy. Hellpaches

7. Eugen. Rosenstock

10. Wirtschaft und Technik

12. Joseph. Winschuh

2. Rhein

5. R.Langs

8. Werkstattstatus

11. Grundriss der Sozioeconomie

13. Leopold. Von. Wiese

3. Akkor dloehne

6. Gruppenfabrikation

9. Gottl- Ottilienfeld

14. Beziehongslehre

گوتس بریف^۱ و گک^۲ به اتفاق سایر همکاران در اثر ارزنده‌ای به نام *شرایط اجتماعی کار در تحول زمان*^۳ به روابط جامعه و صنعت و مباحث جامعه‌شناسی صنفی پرداختند.

در سال ۱۹۲۳ یوست^۴ در کتابی با عنوان *زندگی اجتماعی بنگاه‌های صنعتی*^۵ مسائل جوامع صنعتی را که بیشتر شامل موضوعاتی چون آثار فنی شدن، راسینالیزه سازی، تخصصی شدن جریان تولید صنعتی می‌شد، مورد تحقیق و بررسی قرار دادند.

در سال ۱۹۲۸ مؤسسه تحقیقاتی با عنوان انستیتوی جامعه‌شناسی بنگاه^۶ تأسیس شد، که مقر آن مدرسه عالی فنی برلین بود. در این مؤسسه در کنار تحقیقاتی که جنبه اقتصاد صنعتی^۷ داشتند، توجه خاصی به جامعه‌شناسی بنگاه‌های صنعتی شد. در همین زمان یعنی سال ۱۹۳۱ برای اولین بار فرهنگ جامعه‌شناسی^۸ منتشر شد که در آن علمای صاحب‌نام و اهل نظر مقالات جامعه‌شناسی صنعتی نوشتند. گوتس بریف در مقاله معروف خود با عنوان «جامعه‌شناسی بنگاه»^۹ سعی می‌کند نظریات مطروحه جامعه‌شناسی صنعتی عصر خویش را نقد و بررسی کند. در این مقاله او آثار بنگاه‌های صنعتی بر ساختار طبقاتی جامعه، گروه‌های اجتماعی، اخلاق و دیسپلین کار، سلسله مراتب بنگاهی و اجتماعی را شرح و توضیح می‌دهد. مسئله اجتماعی را بیشتر با روی کردی جامعه‌شناختی به خصوص جامعه‌شناسی صنعتی مورد تحقیق قرار داده، ضمن این که موضوعاتی چون تضادهای اجتماعی و بیگانگی را نیز مد نظر قرار می‌دهد. در این مقاله بریف از حوزه جامعه‌شناسی صنعتی فزاینده و جسته‌وگریخته در بحث بیگانگی و تضادهای اجتماعی دچار ارزش‌گذاری شخصی می‌شود. همین امر هم سبب می‌شد که گک^{۱۰} ضمن ارج نهادن بر تلاش‌های وی مقاله او را حاوی نکته‌نظرهای فلسفی و فلسفه اجتماعی معرفی کند. در ایامی که بریف و همکارانش اولین تحقیقات سیستماتیک جامعه‌شناسی صنعتی خود را انجام می‌دادند، در کارخانه‌های وسترن الکتریک تحقیقات التون مایو^{۱۱} به نتیجه‌ای رسید که ثمرات تحقیقات محققان قبل از خود را مورد تأیید قرار داد.

1. Goetz. Brief

3. Die sozialen Areitsverhaeltnisse im Wandel der Zeit.

5. Das soziale Leben des Industriellen Betriebes

6. Institut fuer Soziale Betriebslehre und Betriebssoziologie

8. Handwoerterbuch der Soziologie

11. Elton . Mayo. Hawthorne – Werken der Western Electric Company

2. L.H.A.Geck

4. w. Jost

7. Industriewirtschaft

10. L.H.A. Geck

سلف‌تون مایو آزمایش‌های مهندسی بنام ژرژ. پنک^۱ بود که در سال ۱۹۲۴ آثار نوع و شدت نور بر کارآیی را مورد تحقیق قرار داده است.

نتایج تحقیقات او چنان غیرمترقبه بود که دانشگاه هاروارد روانشناس و اقتصادان معروف‌التون مایو را مأمور تحقیق مجدد در اثرگذاری نور بر کارآیی کارگران کرد. طرح اصلی هائورن تحت عنوان آزمون روشنایی در دو گروه تست و کنترل انجام شد. گروه کنترل تحت شرایط عادی و به روال گذشته کار خود را شروع کرد. ولی برای گروه تست، نور را افزایش دادند، در نتیجه بازدهی کار آن‌ها بهبود یافت. چیزی که باعث تعجب شد، افزایش کارآیی گروه کنترل بود. گروهی که با همان شرایط فیزیکی سابق کار می‌کرد و هیچ‌گونه تغییر دست‌آموزی تجربه نکرده بود. بعد از این که روشنایی گروه تست را تا حد یک شمع کاهش دادند، باز هم کارآیی اعضای آن گروه تغییر نکرد و همچنان در سطح بالا باقی ماند. این اثر سبب شد که تمام تئوری‌های موجود راجع به رابطه تنگاتنگ بین نور و کارآیی در معرض تردید قرار گیرد. به سبب جالب بودن نتیجه این کار، التون مایو مأمور ادامه آزمایش شد. او در مرحله دوم اجراء این آزمایش از کارگران مونتاژ استفاده کرد و در محیطی که تمام شرایط فیزیکی کار از قبیل نور، حرارت رطوبت و غیره کاملاً کنترل می‌شد، اقدام به تغییر شرایط اجتماعی کارگران نمود. مثلاً میزان مزد، نحوه پاداش و مجازات، فاصله ساعات کار و زمان‌های تعطیل آن، مدت کار، زمان خوردن غذا و پایان کار را تغییر داد و ضمناً به آن‌ها فرصت مشارکت بیشتر در امور بنگاه داد. بطور کلی کارگران نسبت به جریان خودپنداری آثار رفتاری مثبت و سازنده‌ای بروز دادند. نتیجه این تغییرات این شد که کارآیی کارگران افزایش یافت. زمانی هم که امتیازاتی را که جنبه فیزیکی داشتند، قطع کرد، مشاهده شد که کارآیی اعضای گروه تست تا مدت دوازده هفته افزایش خود را حفظ کرده است (پرهیزگار، ۱۳۶۸: ۶۸). التون مایو به این نتیجه رسید که کارآیی کارگران بیشتر تحت تأثیر تغییر شرایط روانی و جریان مثبت خودپنداری کارکنان افزایش یافته است. از این طریق به این نتیجه رسید که محتوا اصلی روابط کارگران با مدیریت آکنده از جنبه‌های اجتماعی است. برای کارگران محتوا اجتماعی روابط آنان با بنگاه خیلی مهم‌تر بود تا جنبه‌های فیزیکی محض آن مثل مزد، میزان حرارت و رطوبت، برودت و نور. چهارسال بعد التون مایو با تکیه بر همین نتایج دو اثر مهم به نام‌های مسئله نیروی انسانی در یک تمدن صنعتی و مسئله اجتماعی در یک تمدن صنعتی منتشر ساخت.

در کنار این دو اثر مهم التون مایو، گزارش‌های تحقیقاتی علمایی چون رتلیس برگر^۱ و دیکسن^۲ درباره بنگاه‌های صنعتی، وضع کارگران و رابطه آن‌ها را با مدیریت، سیاست‌های مدیریت و توزیع مسئولیت‌ها و کنترل کیفیت تولید که با عنوان مدیریت و کارگر (Roethlisberger, 1939) منتشر شد، تأثیر به‌سزایی در پیشرفت جامعه‌شناسی صنعتی داشت.

در همین ایام ویت‌هد^۳ کتابی با عنوان کارگر صنعتی منتشر ساخت (Whithead, 1939). پس از ده سال لاندمان^۴ جمع‌بندی جالبی از مجموعه انتقادات وارده به کار التون مایو به عمل آورد که آن را با عنوان تجدید نظر درباره هائورن (Landmann, 1959) به سال ۱۹۵۹ منتشر ساخت.

به طور خلاصه می‌توان خدمات و نتایج تحقیقات التون مایو برای جامعه‌شناسی صنعتی را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. دنیای اجتماعی افراد بالغ ابتدا به وسیله شغل آنان مشخص می‌شود. افق توقعات، منزلت اجتماعی، عادات مصرف، سبک رفتار و روابط اجتماعی همه مستقیماً تحت تأثیر جو شغلی افراد قرار دارد.
۲. کار صنعتی همیشه یک کار گروهی است و این تصور که کارگران به‌عنوان یک فرد تک‌رو پیرو منافع شخصی خویش‌اند، نادرست می‌باشد.
۳. گروه‌های غیررسمی نقش بسیار مهمی در ساختار و کیفیت سیاست‌های مدیریت بنگاه دارند و علاوه بر این، عملکرد آن‌ها بر کیفیت، کمیّت سرعت و هزینه‌های تولید مؤثر است.
۳. وجهه اجتماعی افراد^۵ مستقیماً تحت تأثیر نوع شغل آنان قرار دارد. اثرات شغل بر وجهه اجتماعی فرد از چنان اهمیتی برخوردار است که با مزد او رقابت می‌نماید و در اکثر موارد ارزش آن برای فرد شاغل از مزدی که دریافت می‌کند، بیشتر است.
۴. نتایج تحقیقات هائورن روی مرز جامعه‌شناسی صنعتی و روانشناسی صنعتی قرار دارد و هر دو رشته علمی به نحوی خود را متولی آن به حساب می‌آورند. قبل از التون مایو کولی و هلباکس (کوز لیوتیس: ۴۳۹) به بررسی و شرح و بیان وضعیت گروه‌های غیررسمی پرداخته‌اند. التون مایو به‌هیچ وجه نتیجه آنچه را که آغاز

1. F.J. Roethlisberger

2. W.J. Dikson

3. T.N. Whitehead

4. M.Landmann

5. Soziale Prestige

کرده بود، نمی‌دانست و نتایج غیرمترقبه‌ای را که تجربه کرد، علاوه بر این که برای خودش ثمرات ارزنده جدید علمی به همراه آورد، مباحث داغی را در اروپا و آمریکا به وجود آورد که منجر به شناخت‌های نوینی در زمینه‌های گوناگون جامعه‌شناسی صنعتی شد.

کار اساسی التون مایو ردّ پاره‌ای از ذهنیت‌های موجود در علوم اجتماعی، رد نظریه اداره گله‌وار کارگران به کمک افزایش مزد و مزایای مادی (Moore, 1947: 123) و ارائه یک مورد کلینیکی و عینی برای اثبات وجود پدیده‌ها و قانون‌مندی‌های جدید بود. مور^۱ به سال ۱۹۴۷ مقاله‌ای با عنوان «مسئله اجتماعی» نوشت و در آن نتایج تحقیقات او را به باد انتقاد گرفت و مدعی شد که مایو در کارهای خود یک روش تئوریک خاص جامعه‌شناختی را عرضه نکرده است، بلکه ما را با ابوهی از اطلاعاتی مواجه ساخته است که در خصوص کم و کیف آن‌ها نیز توضیحات کافی نداده است.

علاوه بر این به جای ارائه نظریه‌های محکم جامعه‌شناختی به ارزش‌گذاری‌های شخصی نیز مبادرت ورزیده است. او ذهنیتی مثبت نسبت به منافع کارفرما بروز می‌دهد، و گویی هدف تحقیق‌اش به دست آوردن راهکارهایی برای افزایش سود کارفرما است. به همین سبب هم با دیدی غیرانتقادی نظریه کارفرما را در خصوص کارگران پذیرفته و آن‌را در مدل خود جای داده است. انتقاد مهم‌تر به او این است که مایو تضادهای اجتماعی را از طریق تحلیل‌های روانشناسی از زمره مسائل کم‌اهمیت جلوه داده و حتی در مواردی هم وجود آن‌ها را انکار می‌کند و عجیب این است که در تحقیق هائورن به هیچ‌وجه از تقاضای افزایش مزد، اعتصابات، مبارزات کارگری ردپایی حتی به چشم نمی‌خورد. حتی بحران اقتصادی جهانی را در حاشیه کار خود بررسی می‌کند. هر چند همین بحران از چنان اهمیتی برخوردار است که موجبات تعطیل طرح او را فراهم می‌سازد.

شپرد^۲ (Sheppard, 1954: 327) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تضادها در جامعه‌شناسی صنعتی آمریکا» به چهار نکته در ارتباط به کار التون مایو اشاره کرده است.

۱. مهم‌تر از همه چیز دست کم گرفتن سیستماتیک تضاد در رابطه با عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بنگاه است که یکی از نقائص بزرگ کار التون مایو است.

1. W.E. Moore

2. H.L. Scheppard

۲. مشاهدات او فقط به بنگاه محدود شده است، گویی که بنگاه با محیط خارج پیرامونی خود یعنی جامعه و سیاست‌های اقتصادی کشور رابطه‌ای ندارد.

۳. از تحقیقات او چنین برمی‌آید که فقط این کار فرما است که در خصوص مزد و مسائل معیشتی کارگران تصمیم می‌گیرد. او ضمناً اهمیت مبارزات سندیکاها را از قلم انداخته است.

۴. به روابط درون بنگاه که بخش مهمی از آن از روابط تک‌تک کارگران به‌طور چهره به چهره با یکدیگر و با استادکارها و مدیران تشکیل شده است، توجه خاصی نشده است. البته شپرد پس از طرح نقاط ضعفی که به آن‌ها اشاره شد، متذکر می‌شود که کار التون مایو منشأ مباحث فوق‌العاده سودمند جامعه‌شناسی صنعتی شده است.

وضع جامعه‌شناسی صنعتی پس از جنگ دوم جهانی

هر چند پایه‌های جامعه‌شناسی صنعتی با تحقیقات علمایی که غالب آن‌ها در پایان قرن نوزده و ابتدای قرن بیستم زیسته‌اند - و ما نام اکثر آن‌ها را آورده‌ایم - ریخته شد، گروهی از محققان بر این عقیده‌اند که جامعه‌شناسی صنعتی به معنی دقیق کلمه بعد از جنگ دوم جهانی به وجود آمده است.

تکیه اکثر صاحبان این باور بر آثاری است که پس از جنگ دوم جهانی منتشر شده است، در حالی که ریشه این آثار در نتایج تحقیقات علمای سلف جامعه‌شناسی قرار دارد. من جمله ماکس وبر، آلفرد وبر، هرکنر،^۱ (Otmar, 1984: 25) گوستا و اشمولر، امیل دورکیم، ماریا بارنیس و گوتس بریف و سایر دانشمندانی که به مسائل بنگاه‌های صنعتی و کارگری اندیشیده‌اند و ما نام آن‌ها را ذکر کرده‌ایم. کار مهم اکثر علمای پس از جنگ دوم جهانی جمع‌بندی صحیح این نظریات و افزودن تحقیقات خود بر این جمع‌بندی‌ها و نتیجتاً تشکیل ستیزی از یافته‌های جدید و قدیم است که منجر به نگاهی جدید و بدیع به مسائل بنگاه و جوامع صنعتی شد. دو تن از این علما میلر^۲ و فرام^۳ هستند که مشترکاً کتابی با عنوان جامعه‌شناسی صنعتی منتشر ساختند. اتحادیه بین‌المللی جامعه‌شناسان نیز در همین ایام گزارش مشروحو در زمینه کتابشناسی جامعه‌شناسی، به‌خصوص کتاب‌های مربوط به جامعه‌شناسی صنعتی منتشر ساخت که پس از انتشار در محافل علمی مورد استقبال و

1. Herkner

2. D.c. Miller

3. W.H. From

مراجعه قرار گرفت. در سال ۱۹۵۴ کاپلوف^۱ در آمریکا کتابی با عنوان *جامعه‌شناسی کار* منتشر کرد که بیشتر موضوعات آن به جامعه‌شناسی صنعتی مربوط می‌شد، چون توجه‌اش بیشتر به جریان تولید استانداردیزه شده، راتسینالیزه شدن بنگاه‌های صنعتی، بروکراسی‌سازی روابط صنعتی و نهایتاً مسائل کارگران و کارمندان بود. چهار سال بعد دوینتز^۲ اثر نسبتاً معروف خود را با عنوان *جهان‌کارگر* منتشر کرد که در آن بیشتر به مسائل و مشکلات کارگران صنعتی، سلسله مراتب بنگاهی، شیوه‌های پرداخت مزد و نهایتاً نهضت‌های کارگری پرداخته است. در آلمان اشنایدر^۳ (Schneider, 2003: 42) به سال ۱۹۵۹ کتابی با عنوان *جامعه‌شناسی صنعتی* منتشر ساخت. این کتاب که حاوی نقطه نظرهای ارزنده‌ای در خصوص جامعه‌شناسی صنعتی است، نوعی جمع‌بندی نظریات و یافته‌های علمای دوران معاصر و گذشته است. مور^۴ دو سال پس از انتشار اثر کاپلوف کتابی با عنوان *روابط صنعتی و نظام اجتماعی* نوشت که حاوی تحقیقات جالبی درباره کار صنعتی، گروه‌های اجتماعی، سلسله‌مراتب در بنگاه‌های صنعتی و مسئله توزیع قدرت در بنگاه‌های صنعتی است. این تحقیق که بیشتر یک کار میدانی است هدفش نشان دادن زندگی صنعتی و روابط صنعتی در کلان شهرهای صنعتی است. این کتاب از توفیق شایان توجهی برخوردار شد. یکی از علل اصلی این توفیق آمادگی کارفرمایان امریکای شمالی در پرداخت هزینه‌های تحقیقاتی و ضمناً سعی و دقت محقق در جمع‌بندی جالب و منطقی یافته‌های تجربی خویش است.

در سال ۱۹۴۷ وارنر^۵ کتاب *سیستم اجتماعی کارخانه‌های مدرن* را می‌نویسد و دو سال پس از او برونمان^۶ کتاب خود را با عنوان *رژیم مدیران* منتشر می‌سازد. در همین سال دراکر^۷ کتاب *جامعه در باند نقاله* را منتشر می‌سازد. کتاب بارنارد^۸ با عنوان *عملکرد اجرائی* نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

در انگلیس نیز همچون آمریکا و آلمان، برونز^۹ با نگاهی روانشناختی به بنگاه‌های صنعتی، ماحصل یافته‌های خود را در اثری بنام *روانشناسی اجتماعی صنعت* به چاپ رسانید که پس از دو سال به زبان آلمانی با نام *روانشناسی کارآیی صنعتی* ترجمه و منتشر شد.

در فرانسه هم تورن تحقیقات مفصلی در خصوص تولید صنعتی، کار در بنگاه‌های صنعتی و روابط انسانی در بنگاه‌های صنعتی انجام داد. تورن این تحقیقات را در کتابی با عنوان *جامعه‌شناسی صنعتی* منتشر ساخت.

1. TH. Caplows
5. wil. Warner
9. J.A. Browns

2. R.Dubins
6. Brunman

3. E.V. Schneider
7. p.F. Drucker

4. Moore
8. CH.I.Barnard

در آلمان در سال ۱۹۶۱ فرهنگ جامعه‌شناسی پژوهشی به سرپرستی جامعه‌شناس صاحب نام رنه کینک پایه‌گذاری شد و در فرانسه در مجله جامعه‌شناسی کار که به سال ۱۹۵۹ منتشر شد، مقالات ارزنده پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی صنعتی درج می‌شد. در همین ایام هلموت شلسکی یکی از محققین و جامعه‌شناسان بنام کتابی به نام *جامعه‌شناسی نگاه و جامعه‌شناسی صنعت* نوشت و لیبسوس در سال ۱۹۶۰ کتاب خود را با عنوان *ساختارها و تحولات بخش صنعتی* منتشر کرد. او در این کتاب ضمن توجه خاص به مسائل کارگری تحولات ساختار بنگاه‌های صنعتی را از ابتدای صنعتی شدن جریان تولید تا زمان خود دنبال می‌کند. در همین ایام یعنی سال ۱۹۶۰ فورستن برگ^۱ به جوامع صنعتی با نگاهی تاریخی نظر می‌افکند. او ماحصل یافته‌های خود را در این زمینه تحت عنوان *جامعه‌شناسی صنعتی* (Furstenberg, 1966) به رشته تحریر می‌کشد و منتشر می‌سازد. کار دیگر او با همین نگرش تحت عنوان *جامعه‌شناسی اقتصادی* است که در حقیقت همان کتاب جامعه‌شناسی صنعتی با نام دیگری است.

ژرژ فریدمان (Friedmann, 1952) با نگاهی انسان‌شناختی به جامعه صنعتی، مقام انسان را در تولید راتسینالیزه و مکانیزه شده مورد بررسی قرار می‌دهد و در تحقیقات خود بیشتر مایه‌های روانشناسی و روانشناسی صنعتی را به کار می‌برد.

در آمریکا بندیکس^۲ کتابی با عنوان *حاکمیت و کار صنعتی* نوشت که حاوی نقطه نظرهای ارزنده‌ای درباره سلسله‌مراتب نگاه، نقش‌ها و موقعیت‌ها و روابط انسانی در محیط صنعتی است. در کنار این اثر باید ارزش تحقیق‌های هارتمان را در خصوص *اقتدار و سازمان در مدیریت آلمان* در نظر گرفت.

لیپست^۳ نیز درباره نهضت‌های کارگری و سندیکایی تحقیقات ارزنده‌ای انجام داده است. او وجهه همت خود را تبیین روابط انسانی در یک جامعه صنعتی، تأمین اجتماعی و مسائل رفاه کارگری قرار داده است. مشابه کار او را در انگلیس جاکس^۴ به سال ۱۹۵۱ انجام داده بود. به بیانی دیگر او فعالیت‌های پژوهشی خود را حول محور نهضت‌های کارگران صنعتی، وضعیت دستمزد و معیشت آن‌ها و علل اعتصابات قرار داده و در اثری با

1. Furstenberg, F

2. R. Bendix

3. S.M. Lipset

4. E. Jaques

نام مبادله فرهنگی در کارخانجات نتیجه تحقیقات خود را منتشر ساخت. در همین راستا کارهای فلاندر،^۱ گلداشتین،^۲ گول^۳ و سویگ^۴ قابل توجه و درخور تأمل است.

تحقیقات میدانی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه لیورپول^۵ تحت سرپرستی سی‌می^۶ به سال ۱۹۵۵ و کارهای اسکات^۷ که بیشتر به مسائل کارگران صنعتی مربوط می‌شد، نیز حائز اهمیت می‌باشد. تلاش‌های سارگانت فلورنس^۸ نیز ارزش خاص خود را دارد. بالدموس^۹ در کتاب خود با عنوان *انواع کار و انگیزش*^{۱۰} به علل تعیین‌کننده انگیزه کار و دل‌انگیز شدن آن در بنگاه‌های صنعتی پرداخته است. علاوه بر این در زمینه روابط صنعتی و در وضعیت کارگران صنعتی مؤسسه خیریه علمی نویفیلد^{۱۱} و Action Society Trust نیز تحقیقات ارزنده‌ای در زمینه جامعه‌شناسی صنعتی انجام داد. در کنار این تحقیقات، پژوهش‌های انستیتو ملی روانشناسی صنعتی^{۱۲} و انستیتو روابط انسانی^{۱۳} در زمینه روابط صنعتی قابل ذکر است.

در فرانسه به استثنای تی چند از علماء که فلیپ و استوسل جزء این استثناء نیستند، عموم جامعه‌شناسان به جامعه‌شناسی صنعتی توجه خاصی نشان دادند. در مرکز ملی تحقیقات علمی، بخش علوم انسانی^{۱۴} تحقیقات ارزنده‌ای در خصوص جامعه‌شناسی صنعتی انجام شده است. ضمناً نیابستی ارزش تحقیقات کورزیه^{۱۵} را درباره مسائل کارگری و شرایط کار انسانی در بنگاه‌های صنعتی فراموش کرد. ایشیسکی،^{۱۶} مارنکو^{۱۷} و پاریه نیز در پیشرفت جامعه‌شناسی فرانسه تأثیر مهمی داشته‌اند. تحقیقات دانشگاه^{۱۸} بلژیک نیز سهم قابل توجهی در پیشرفت دانش روابط انسانی در جوامع صنعتی داشته است.

به نظر ویلر مور^{۱۹} جامعه‌شناسی صنعتی به‌عنوان رشته‌ای مهم از دانش جامعه‌شناسی علمی است که شرایط اجتماعی ناشی از تولید صنعتی را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد.

مور بعد از جنگ جهانی دوم، یعنی زمانی این نظر را درباره جامعه‌شناسی صنعتی اظهار کرد که این دانش به‌عنوان یک رشته رسمی مورد تأیید مراجع علمی در آمریکا تدریس می‌شد. مور

- | | | |
|---|-----------------------|-------------------------|
| 1. A. Flanders | 2. Goldstein | 3. G. D.H. Cole |
| 4. F. Zwig | 5. Liverpool | 6. T. S. Simey |
| 7. W.H. Scott | 8. Sargant. Florence | 9. W. Badamus |
| 10. Types of Work and Motvation | | 11. Nuffield Foundation |
| 12. National Institute of Industrial Psychology | | |
| 13. Tavistock Institute of Homan Relation | | |
| 14. Centre Nationale de La Recherche Scientifique | des Musee de L Homme | |
| 15. M. Corzier | 16. C. Eichisky | 17. C. Marengo |
| 18. Liege | 19. Wilbert. E. Moore | |

(Wilbrte. Moore, 1984) بیانی از جامعه‌شناسی صنعتی ارائه می‌کند که با مرور آن شاید به قبول این نظر او به عنوان آغاز کار تمایل داشته باشیم. او معتقد است که جامعه‌شناسی صنعتی معمولاً به‌عنوان یک جامعه‌شناسی عملی که شرایط اجتماعی ناشی از تولید صنعتی را در سطح بنگاه‌ها و جوامع صنعتی مورد تحقیق قرار می‌دهد، مطرح است.

البته این نظریه که جامعه‌شناسی صنعتی فقط یک جامعه‌شناسی عملی است تا اندازه‌ای مورد تردید است. عمل‌گرایان و طرفداران تحقیقات میدانی موافق عملی شدن و عملی باقی ماندن جامعه‌شناسی صنعتی‌اند. آن‌ها بنگاه صنعتی را به‌عنوان زمینه اصلی کار خود پذیرفته و وظیفه خود را رسانیدن اطلاعات دقیق علمی به دست اندرکاران سیاست کار و شغل، مدیران و بنگاه‌های صنعتی، اتحادیه‌های کارفرمایی، شوراهای کارگری و سندیکاها کارگری می‌دانند. مسئله مهم برای آنان سازمان بخشیدن به کار، سروصورت دادن مقطعی به سیستم‌های فنی، سازمان دادن به سیاست دستمزد و کارآیی، سامان بخشیدن به روابط مالی صاحبان سهام با بنگاه، نظم بخشیدن و قابل کنترل ساختن تضادها و موارد مشابه است. به بیانی ساده‌تر مسائلی که آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند، مسائل جامعه‌شناسی بنگاه^۱ است نه جامعه‌شناسی صنعتی.^۲

نظریه پردازانی که مخالف عملی شدن محض این رشته‌اند، موافق این گونه محدودیت‌ها برای محققان کاربردی بوده، بلکه آنان را به تأمل بیشتر درباره مفهوم عمیق واژه جامعه‌شناسی صنعتی دعوت می‌کنند. آن‌ها ضمن این که وظیفه محققان را پرداختن به مسائل بنگاه می‌دانند، تأکید فراوانی بر توجه بیشتر به اثر متقابل کار صنعتی بر جامعه و آثار جامعه بر بنگاه دارند.

به نظر آن‌ها آثار صنعتی را بر جامعه و آثار جامعه را بر کار صنعتی فقط می‌توان از طریق تجزیه و تحلیل اجتماعی تعیین کرد. تجزیه و تحلیلی که در چارچوب ساختار حاکم بر یک جامعه صورت پذیر است. برای پیروان این طرز فکر، جامعه‌شناسی صنعتی فقط یک جامعه‌شناسی عملیاتی شده و میدانی نیست، بلکه هسته مرکزی نظریه اجتماعی جوامع مدرن صنعتی است. نباید تصور کرد که امروزه این دو جناح یعنی محققان عملی و نظریه پردازان جامعه‌شناسی صنعتی شانه به شانه یکدیگر به رفع مشکلات اجتماعی قیام کرده‌اند. هم‌اکنون این اختلاف سلیقه علاوه بر این که موجب کند شدن پیشرفت‌های عملی شده است - ضمن این که هر

1. Betriebssoziologie

2. Industriosociologie

کدام از اعضای دو جناح نامبرده دلائل خاص خویش را در جهت اثبات صحّت راه و روش خود گاه و بیگاه از طریق انتشار مقالات علمی و کتب به سمع علاقمندان می‌رسانند. موجب اختلاف نظرها عمیقی بین صاحب‌نظران گردیده است.

مهم نیست کدام دلائل را پیروان دو جناح در استدلال صحت راه روش خود آورده‌اند یا این که بعد از این خواهند آورد، مهم این است که یک جامعه‌شناس صنعتی - خواه از جناح عمل‌گرا و یا نظریه‌گرا - تا چه حدّ روند و روش صنعتی تولید را در زندگی مردم مورد تحقیق قرار داده و به کنه و ریشه آثار متقابل صنعت بر جامعه و جامعه بر صنعت توجه دارد.

هیچ یک از رشته‌های جامعه‌شناسی چون جامعه‌شناسی صنعتی تغییرات ژرف از نقطه نظر تاریخی و تحولات اجتماعی پشت سر نهاده است. گروه‌های عظیم کارگران صنعتی که تا نیمه اول قرن بیستم در تمام کشورهای صنعتی مهم صاحب اهمیت بلامنزاعی بودند، یکی پس از دیگری تبدیل به اقلیت‌های کم اهمیت شدند و هنوز هم این جریان ادامه دارد. همان‌طوری که بل (Bell, D, 1973) پیش‌بینی کرده بود، جامعه‌صنعتی به یک جامعه فراصنعتی تحول یافته است. جامعه‌ای که دیگر روابطش به ندرت به کمک تولید صنعتی تنظیم شده، بلکه بیشتر فعالیت بخش سوم برای مردم تعیین مثبت و موقعیت می‌کند.

علوم و تحقیقات خدمات و مسائل ارتباط جمعی اجزاء مهم این بخش را به وجود آورده و در هیچ یک از دو بخش دیگر یعنی صنعت و کشاورزی فقدانشان قابل تصور نیست. کار صنعتی امروزه دیگری به گونه سابق صورت نمی‌گیرد و دیگر لازم نیست آنرا با نیروی فراوان جسمانی انجام داد. هم‌اکنون تقریباً آثار معتناهی از شیوه‌های تولید قدیم صنعتی به‌جای نمانده و جای بیشتر شیوه‌ها و ابزار تولید قدیمی را ابزار نیمه خودکار و تمام‌خودکار و هوشمند گرفته است (Lutz, B, 2002: 29-38). دیگر نه از آن کارگرهای آلوده به مواد جریان تولید و نه از کارخانه‌های دودزا اثری باقی است. بنگاه‌ها موظف شده‌اند فیلترهای دودگیر و دستگاه‌های پیشرفته تهویه هوا و کاهش صدا را به کار می‌گیرند و سازمان‌های محیط زیست بر عملکرد آنها از این جنبه نظارت مستمر دارند. البته هنوز بقایای تولید صنعتی نیمه اول قرن بیستم در برخی از کشورهای صنعتی عقب افتاده‌تر مشاهده می‌شود که به تدریج با ابزار مدرن و شیوه‌های جدید تولید جایگزین خواهد شد. اشپرینگر (Springer 1984, S88, F.F) می‌گوید در جوامع مدرن صنعتی شده که به بیان الوین تافلر موج دوم را

پشت سر نهاده‌اند، کارهای خدماتی و ضمانتی یا خدمات پس از فروش^۱ رونق گرفته است (Springer.R, 1999, S.89).

همانند اکثر بخش‌های صنعتی در صنایع تبدیلی هم کارها به صورت حمایتی و ضمانتی صورت می‌گیرد، چنان‌که کارکنان با استفاده از ابزار پیشرفته و هوشمند به تولید ادامه داده و نیاز چندانی به استفاده از نیروی فیزیکی خود در جریان تولید پیدا نمی‌کنند. روش‌های کار متحرک بیشتر به کمک ساختارهای شبکه‌ای وسیع جای بوروکراسی موج دوم را گرفته و سبب فروپاشی سلسله‌مراتب قدیم شده است. جنبه‌های تحلیلی روشنگری، تخصص‌های بالای فنی، تخصص‌های مهم اجتماعی و سیاسی جای خود را در همه شئون تولیدی باز کرده و از اهمیت انکارناپذیری برخوردار شده است. منتقدانی چون رابرت هاک و تورگ (Hack. L. 1998.5-92, Tuerk. 1995-S.58) اظهار نظر کرده‌اند که جامعه‌شناسی صنعتی محدود به بنگاه‌های صنعتی شده است و از رابطه صنعت و جامعه غافل مانده است. ایراد آن‌ها شامل تمام جامعه‌شناسی پست‌مدرن که امروز با دقت و وسواس بالایی روابط انسانی بنگاه‌های صنعتی و جوامع مدرن صنعتی را مدنظر دارد نمی‌شود، بلکه بیشتر شامل حال آن دسته از جامعه‌شناسان می‌شود که به شکل مشاور مدیران صنعتی با عینک آنان نگاه خود را به جریان‌های درون بنگاه محدود ساخته‌اند.

همان‌طوری که عقل‌گرایی^۲ یکی از اسباب مهم تحول بنگاه‌های صنعتی کوچک و میانه (مانی فاکتورها) به بنگاه‌های بزرگ صنعتی شد، اطلاعات معطوف به مصرف و فن‌آوری با استفاده از نظام‌های هوشمند و پیشرفته صنعتی خدماتی را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار داد که اساسش عقل‌گرایی و هدفش بهره‌وری و سود ناشی از سرمایه بود در جریان خدمت‌رسانی مصرفی به مشتریان خلاقیت و نوآوری نیز صورت گرفت (Trautwein- Kalms. 1995. s. 211).

امروز به‌جای کار علمی Winssnsarbeit و آژه کار اطلاعاتی Informationsarbeit را به کار می‌برند. این دو نوع کار همواره دلالت بر نوعی درگیری بشر با موانع و مشکلات دارد و در حقیقت از نظر عملکرد به دانشی شباهت دارد که کارش چالش با موانع داخلی و خارجی است. دانش نوعی توانایی انسان در به‌کار گرفتن اطلاعات در یک زمینه عینی است. توانی که هدفش تغییر واقعیت است. اطلاعات برعکس دانش

1. Gewährleistungsarbeit

2. Rationalitaet

به صورت سمبلیک تعین یافته است و به شکل علائم و رموز بروز می‌کند. اطلاعات یک کالای عمومی از فرد به فرد که منتقل شد، عمومی می‌شود، یعنی بیشتر دستگاه‌ها، راه‌های موجود و مسائل فنی هستند که ما با مطالعه آن‌ها به اطلاعات دست می‌یابیم و با افزایش تعداد استفاده‌کنندگان از آن‌ها مخارج این دستگاه‌ها افزایش نمی‌یابد. کار اطلاعاتی کاری است که کاملاً بر خدمات خلاق رسانه‌ای تکیه دارد و توجه خاصی به رفع اختلال‌ها و پارازیت‌ها و وضعیت‌های غیرمطلوب دارد.

به کمک اطلاعات نیازهای لوکس انسان‌های پرتوقع برآورده می‌شود. در عصر اطلاعات، خودکنترلی^۱ یکی از اصول فن‌آوری مدرن است که در اکثر شئون مهم و پیچیده تولیدی مورد استفاده واقع می‌شود. صنعت هواپیماسازی، هدایت هواپیما، کشتی‌رانی و تولیدات صنعتی پیشرفته، اتومبیل‌سازی و صنایع سنگین حتی از نظم خودکنترل بهره‌مند شده و از مزایای آن ضمن تحمل هزینه‌های سنگینی برخوردار می‌گردند. (Hack, L. S. 8. ff) در جریان‌های تولیدی مجهز به نظام خودکنترل نوعی اتصال و همبستگی بین ابزار تولید و پرسنل به وجود می‌آید که در کوتاه مدت ناگسستی است ضمن این که روابط در این نظام‌های تولید پیشرفته افقی و عمودی است. پرسنل در هر کدام از سطوح تولیدی از نظر اطلاعات و مهارت به هم نزدیک و وابسته‌اند، چنان که یک مجموعه هدفمند تولیدی را به وجود می‌آورند (Adhocracy). هر چه سطح تخصص یک مجموعه و نیز سطح تخصص و مهارت فرد شاغل بالاتر باشد، وابستگی و نیاز بنگاه به وجود او افزایش می‌یابد و همین امر برای صاحب این گونه مشاغل اقتدار و شأن خاصی به وجود می‌آورد.

هیلدر برداند و زلتس (Hildebrand, Seltz. R. 1984. S:220) و براورمان (Braverman, 1944. S. 85)

ضمن اشاره به اهمیت بخش سومی شدن کلیه شئون تولیدی - اعم از بخش کشاورزی صنعت و خدمات، بر ضرورت انسانی شدن کار تأکید ورزیدند، و موضوع افزایش احتمال کم‌رنگ شدن مهارت‌های متخصصین و استادکارهای زمان خود را گوش کردند. آن‌ها به خطر کاهش نگاه جامع‌الاطراف مولدین خدمات و کالاها به آن‌چه که تولید می‌کنند، اشاره کرده و چون یورگن هابرماس و هربرت مارکوزه که در دهه شصت به بیگانه‌شدن انسان مدرن در جریان تولید صنعتی و تک‌ساختی شدن او (مارکوزه) عنایت خاص داشتند، خواستار اقدامات سریع در جهت پیشگیری خطرات تولید صنعتی شدند. یکی از این خطرات آفات روانی و شخصیتی

بود که از سوی تکنوکراسی جدید^۱ متوجه انسان‌های جوامع صنعتی شد. پول بارت (Bahrtdt. P.s.14) در سال ۱۹۸۲ با نگاهی به گذشته به این موضوع اشاره کرده و معتقد است که امروز یا فردا مسئله اثرگذاری فنی‌سازی و بروکراسی توأم با تکنوکراسی بر زندگی اعضای جوامع صنعتی مطرح خواهد شد، به‌خصوص که دفاتر بزرگ خدمات چون مؤسسات عظیم مالی و بانک‌های فعال در سطوح ملی و بین‌المللی به شکل مضاعفی تحت آثار نامطلوب فنی‌سازی و بروکراسی توأم با تکنوکراسی قرار دارند. پول بارت برای مقابله با خطرات ناشی از این جریان گسترش تحقیقات میدانی^۲ را برای شناخت دقیق و تجربی ابعاد مشکلات توصیه می‌کند. جامعه‌شناسان صاحب‌نامی چون پوپیتس و بارت (Popitz. H/ Bardt. 1944.s.104) بیان می‌کنند که دیگر نمی‌توان در سطح انتقادهای فرهنگی و علوم نظری محض توقف کرد، بلکه ضرورت ایجاب می‌کند که هر چه سریع‌تر با ابزار نظری و تحقیقاتی کاربردی به سراغ مسائل بنگاهی و جوامع صنعتی رفت. پوپیتس و پول بارت و همکاران با اشاره به وقایع دهه هفتاد و انقلاب دانشجویی ۱۹۶۸ از دوباره مطرح شدن آثار دوره جوانی مارکس سخن به میان می‌آورند و جامعه‌شناسی صنعتی را به تحقیق و پژوهش بیشتر در خصوص خانواده‌ها و ایام فراغت دعوت می‌کنند. بارت در کتابی که به سال ۱۹۸۹ منتشر ساخت، از دوباره مطرح شدن نظریات مارکس جوان در جامعه‌شناسی آلمان سخن به میان آورد و اظهار کرد که با وجود طرح مباحث کمی و گاه بیگانه با جامعه‌شناسی صنعتی، جای خوشنودی است که لابلائی مباحث ایدئولوژیک و نظری موضوعاتی چون فن‌آوری سازمان کار اجتماعی و تقسیم کار از سوی نظریه‌پردازان مورد بحث و انتقاد واقع می‌شود (Bahrtdt. P. Ebenda).

در سال‌های بعد از انقلاب دانشجویی ۱۹۶۸ در اکثر مباحث نظری کتاب نقد سیاست اقتصادی کارل مارکس و آثار ایام جوانی‌اش مورد استفاده قرار می‌گرفت و شور و حال سیاسی که متأسفانه بر اکثر محافل آکادمیک غالب شده بود، تعداد زیادی از جامعه‌شناسان آلمانی را از پرداختن به جامعه‌شناسی فراجناحی باز داشته بود. به صحنه آمدن دوباره مارکس به کمک تو مارکیست‌ها به‌خصوص مطرح شدن آثار دوره جوانی مارکس و تحلیل‌های غیر ارتودوکس مارکیستی از شرایط جامعه سرمایه‌داری و مارکیسیسم غربی و تلاش‌های وابستگان به مکتب فرانکفورت، پایه‌های اصلی ذهنی نهضت فکری دانشجویی آن زمان را تشکیل

1. Technokratie

2. Empirische Sozialforschung

می‌داد (Popitz, H/Bardt, et.al. s. 192) و همین عوامل نیز پشتوانه ذهنی جناح چپ دانشگاهی در آلمان بود. همراه باحرکات شبه‌نظامی جناح تندرو، اعتصابات کارگری هم نه فقط در آلمان، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر اروپا رونق گرفت. در آن زمان جامعه‌شناسی صنعتی برای پاسخگویی به علل این تحولات پاسخ قانع‌کننده‌ای نداشت، ولی به سبب فشارهای سیاسی آن زمان که در جامعه و دانشگاه‌ها به قدر کافی موجود بود، تلاش وسیعی را در جهت تحلیل و بررسی مسائل کارگری و تضادهای طبقاتی آغاز کرد که ثمره آن منتهی به نتیجه‌ای ناخواسته شد. نتیجه ناخواسته این بود که ثمره تحقیقات برخلاف انتظارات جامعه دانشگاهی انقلابی سال ۱۹۶۸ آلمان دلالت بر بروز تفرقه بین کارگران داشت. اعتصابات بعدی و وقایع سیاسی نیز نشانگر نوعی شکاف بزرگ در وحدت طبقه کارگر شد. نوعی تفاوت شدید اجتماعی و لایه‌لایه شدن جامعه کارگری پدیدار شد. گروه بی‌تخصص‌های فاقد مهارت، نیمه‌ماهرها و کارکنان با مهارت‌های بالا هر کدام بنا به وضعیت و توانایی‌هایی که داشتند خواهان امتیازات متناسب با توانمندی‌های خود شدند.

حتی کارگران مهاجر نیز بطور مجزا برای خود حقوقی طلب کردند. آن‌ها نیز چون سایر کارگران متوجه عدم توجه سندیکاهای کارگری به منافع قشری خود شده بودند و هر گروه کارگری آگاهانه منافع خود را دنبال کرده و خواستار بهبود وضع معیشتی گروه خود بدون در نظر گرفتن منافع طبقه کارگر آلمان شد (Kohler.c.et.al.s.220). نه تنها به توزیع درآمد ملی انتقاد شد، بلکه نسبت به سهم سرمایه و کار از درآمد ملی انتقادات شدیدی صورت گرفت و معترضین که مجزا و گروه‌گروه عمل می‌کردند، خواهان تغییرات مهمی در این زمینه شدند. نتیجه این تلاش‌ها و اعتراضات اعتصابات گروه‌های مختلف شغلی به‌شکل مجزا برای افزایش مزد و بهبود وضع معیشتی خود شد. دولت هم در مقابل فشارهای بی‌امان که پی‌درپی به‌شکل اعتراضات گروهی برای افزایش مزد صورت می‌گرفت، کوتاه آمد و در نتیجه ماریپیج مزد قیمت شروع به فعال شدن کرد و اعتراضات بعدی گروه‌های شغلی موجبات تحول آن را به ماریپیج مزد-مزد سبب شد. یعنی هر گروه شغلی که امتیازی را در نتیجه آشوب و اعتصاب تحصیل می‌کرد، گروه بعدی را در تحصیل توفیق امیدوار ساخته و افزایش مزد برای یک گروه شغلی، سبب افزایش بیشتر مزد برای گروه بعدی می‌شد که بر آن نام ماریپیج مزد-مزد گذاشتند (Lohn- Lohn, Spirale). پس از این که گروه‌های شغلی هر کدام جداگانه برای کسب حقوق و مزایای خود به تلاش و مبارزه پرداختند و عملاً جامعه کارگری آلمان فاقد اتحاد گذشته

خویش شده بود، جامعه‌شناسی صنعتی هم تحلیل‌ها و بررسی‌های موردی درباره مشاغل و گروه‌های شغلی را افزایش داد و دانشمندانی چون گلد روپ/لوک وود^۱ و کرن و شومان^۲ تحقیقات مفصل درباره علل افتراق و شکاف بین کارگران و شکل‌گیری آگاهی‌های شغلی انجام دادند. با شکل‌گیری کامل صنف‌گرایی و آگاهی شغلی، کارکنان بنگاه‌ها به این نتیجه رسیدند که توفیق شغلی و معیشتی آن‌ها در سازش با راهبردها و سیاست‌های بنگاه است. آنان تصور می‌کردند که کنار آمدن با مدیریت و هموائی بیشتر با مدیران و استادکارها نه تنها بر قدرت و شهرت بنگاه می‌افزاید، بلکه سبب می‌شود که بنگاه سود و رفاه بیشتری شامل حالشان سازد (Lutz. B.s: 20-38).

تعداد زیادی از محققان جامعه‌شناسی صنعتی هم به تدریج از تحقیقاتی که نظریات اقتصاد سیاسی را تقویت می‌کرد، فاصله گرفتند و سعی خود را معطوف به تحقیقات میدانی ساختند. غالب این تحقیقات چنان طراحی شده بود که کمتر با سیاست و جامعه سروکار پیدا می‌کرد و در نتیجه تمام توجه محقق اختصاص به حوادث درون بنگاه می‌یافت.

البته مارکسیسم ارتودوکس هم از طریق طرح اندیشه‌های ماکس وبر و شومپتر درباره بروکراسی و نوآوری خلاق در بسط دادن آن به عقاید مارکس به حیات خود ادامه می‌داد. آن‌ها از تکرار این نظریه که راستینالیزه شدن روند تولید منتهی به کاهش ارزش کار انسان می‌شود، غفلت نکردند و در مواقع ضروری به تیلور و تیلوریسم انتقادهای شدید هم می‌کردند. البته از جناح غیرمارکسیستی هم اعتراضات شدیدی نسبت به آثار راستینالیزه کردن جریان تولید به گوش می‌رسید. بنز-اورهاگ و همکاران (Benz- Overhage. et. al. 1982. S.88.FF) در کتاب آثار استفاده از کامپیوتر در تولید صنعتی نوشتند: «در تولید سرمایه‌داری روش‌های جدید و ماشین‌های تولید نو جای فعالیت‌های زنده کارگران، استادکارها و حتی مدیران رده‌های میانه را گرفته است» (Benz- Overhage et. al. s.198). براورمان نیز در کتاب خود با عنوان کاربرد جریان تولید مدرن به همین نتیجه رسیده بود (Bravermann, H.1944). او در ادامه همین نظریه ادامه می‌دهد که قدم مهم همگام با راستینالیزه شدن جریان تولید تجدید سازمان جریان کار انسانی بر اصول مدیریت علمی است (Bravermann. H 1944 s.134). کار فکری از کار یدی تفکیک شد و کار فکری در دفاتر^۳ و کار یدی

1. Goldthrope/ Loc Wood
2. Kern/ Sehumann
3. Buero

در واحدهای اصولی استاندارد شده سازمان یافت. و استاندارد دیزه کردن کار بر همین مدیریت علمی شرایط برداشتن گام بعدی را به سوی فنی سازی همه جانبه فراهم ساخت. کار در جزئی ترین اعضایش شفاف سازی شد و در یک صورت قابل کنترل برای طرفین تعامل یعنی مدیران و کارکنان تعریف شد (Baethge, M. Wilkens. I s.39).

این تعریف چنان شفاف بود که قابل انتقال به یک سیستم مولد ماشینی نیز گردید. البته برای برخی از کارگران کار با ابزاری که هنوز مقدار زیادی نیاز به دخالت مستقیم انسان داشت، منظور گردید (Degele. N. 2002. s. 15. FF) یعنی نه برای همه، بلکه فقط برای آن گروه از کارکنانی که مهارت‌های مناسب برای جریان تولید را کسب کرده و شایستگی و لیاقت اعمال آن را نیز تحصیل کرده بودند، فرصت اشتغال وجود داشت. در آلمان از سال ۱۹۷۴ کمک‌های دولت برای تحقیقات علمی افزایش یافت و ضمناً مبلغ معتابیهی از بودجه افزایش یافته تحقیقاتی شامل حال پژوهش‌های جامعه‌شناسی صنعتی شد.

این امر سبب افزایش توجه محققان به امور جامعه و صنعت شده و در انستیتوی تحقیقاتی علوم اجتماعی تحقیقات مفصلی به همت دانشجویان دوره‌های تکمیلی و استادان صورت گرفت که تحقیقات ونج^۱ جزئی از آن است (Wuntsch. M.V. 1988. s77) در همین ایام از بنگاه به عنوان واحدی استراتژیک سخن به میان آمد و حتی بشته^۲ کتابی با همین عنوان به رشته تحریر درآورد. او در این کتاب شرح جالبی درباره گذشته جامعه‌شناسی و حدود و مرزهای جامعه‌شناسی صنعتی آورده است (Bechtle. G. 1980. s.43 FF) در همین ایام یعنی در پایان دهه هفتاد و اوائل دهه هشتاد بسیاری از محققان سعی خود را بر تحقیقات میدانی متمرکز روی مسائل درون بنگاه نهادند، و مباحثی چون نقش ارزش افزوده در تحولات اجتماعی، فقر نسبی و فقر مطلق، تضادهای طبقاتی و به طور کلی مقولات نو مارکسیستی را به کلی کنار گذاشته بودند.

بدین گونه بود که تشکر جامعه‌شناسی صنعتی دهه هشتاد بازگشت به دورانی کرد که در آن محقق بیشتر درباره مسائل درون بنگاه - اوائل قرن بیستم - تحقیق می کردند. در مقابل برای آن دسته از جامعه‌شناسان که از این موج پیروی نمی کردند و ضمناً طرفدار نظریه نو مارکسیستی هم نبودند، بلکه معتقد به اثر گذاری تحولات بنگاه‌ها بر تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جامعه بودند، فرصت مناسبی به وجود آمد تا نشان دهند که همبستگی بین محل کار - بنگاه و جامعه را با روش‌های غیر مارکسیستی هم می توان نشان داد. تحقیقاتی دانشمندانی چون بورکهارد^۳ و رز

1. Wuntsch

2. Bechtle

3. Burkhard. Lutz

زنگبرگر^۱ آرنند زورگه^۲ مارک مارس^۳ ولفگانگ استریک^۴ در مورد آلمان بریتانیا فرانسه و آمریکا انجام دادند که هدفش نشان دادن روابطی معنی دار بین سیستم آموزشی و شرایط تولید بازارهای کالاها و خدمات بود. آن‌ها سازمان کار و تخصص یافتن در کارها را در کشورهای چهارگانه مورد تحقیق قرار داده و بین چهار کشور فوق‌الذکر در مورد بنگاه‌هایی که کار تولیدی واحدی داشتند، به تفاوت‌های فاحش دست یافتند. سعی کردند علت این تفاوت‌ها را در اثر گذاری متقابل جریان‌ها و ساختارهای بنگاه‌ها و نهادهای آموزشی جستجو کنند. کمی بعد هیدن ریش و شمید^۵ گزارش مفصلی تطبیقی در خصوص فعالیت‌های تولیدی و احوال اقتصادی اجتماعی و سیاسی منتشر ساختند (Heidenreich. M / Schmidt. 1991). علت این‌که رابطه بین تحقیقات بنگاهی و تحلیل‌های اجتماعی (به شکل تطبیقی) به نتایج جالبی رسید، به این نکته مربوط می‌شد که محققین این گونه تحقیقات غالباً کسانی بودند که چندین سال پیش از نظریه ارتودوکس مارکسیستی فاصله گرفته و توان نگاه غیر ایدئولوژیک به پدیده‌های اجتماعی را در خود ارتقاء داده بودند.

کرن و شومان (Kern/ Schumann. 1984. S.11) ضمن این‌که بر اثر گذاری متقابل فن آوری،^۶ سازمان کار و جامعه توجه خاصی داشتند، بر استفاده علمی از نیروی کار انسانی تأکید کرده، پیروی از تایلر و عقاید او را در مواردی که مقتضی است توصیه نمودند.^(۱)

توصیه آن‌ها در این خصوص بیشتر از بیکاری دائم‌التزایدی که نتیجه اجتناب ناپذیر راتسنیالیزه و اتوماتیزه شدن جریان تولید بود، نشأت می‌گرفت. با این اظهارات کرن و شومان نه تنها از نظریه راتسنیالیزه صنعتی قدیم فاصله گرفته و برای آن حتی یک تعریف جدید عرضه کردند، بلکه دو روی سکه علم (تولید یا کار) سرمایه را دوباره در امور بنگاهی و صنعتی مطرح ساخته و بر تضاد بین آن‌ها تأکید ورزیدند.

کرن و شومان همان‌طوری که پیور (Piore. M.Y / Sable. C. 1985) یادآور شده است، نقش بسیار مهمی در جدایی تفکر جامعه‌شناسی از قوانین حرکت سرمایه‌داری در آلمان ایفا کرده و اهمیت اقتصاد و سیاست را با یک نگاه جدید مطرح ساخته‌اند. نگاهی که در آن جای اهمیت ایدئولوژی نئومارکسیستی را عقلانیت تولیدی صلاحیت‌های فنی و تخصصی گرفت. هم‌سوی با این جهت فکری تلاش چشم‌گیری در جهت مطرح ساختن اهمیت تحقیقات موردی در جریان بود که دهه نود طرفداران صاحب‌نامی پیدا کرد.

1. Werner Sengenbergr
4. Wolfgang. Streek

2. Arndt. Sorge
5. Heidenreich. Schmidt

3. Marc. Maurice
6. Technik

ضمناً زمان جدایی از تولید انبوه فرا رسیده و توجه اکثر بنگاه‌های مهم صنعتی معطوف به تولیدات متکی بر سفارش به قطعه‌سازان (یا دکرین تولید متکی به سفارش) گردیده بود. در اوائل قرن بیست و یکم حرکت مهمی در جهت تجدید سازمان تولید و توجه بیشتر به دکرین تولید متکی به سفارش، موضوعی که کرن و شومان، (Kern. H. Schumann.M. 1984) پیور و سالبه چند سال قبل پیش‌بینی کرده بودند، صورت گرفت. البته با وجود این در بسیاری از موارد جزائر تولید به شکل محدود به حیات خود ادامه دادند و بنگاههایی وجود داشتند و هنوز هم دارند که تقریباً همه قطعات کالای خود را تولید می‌کنند (Dreher. C. et. al. s. 149- 156). البته نسخه‌های کار تیلری هم به هیچ وجه منسوخ نشد و بنا به گزارش جالبی که Nordhause _ yanz و پرکول Perkul در سال ۲۰۰۰ ارائه کرده‌اند استفاده از مدیریت تیلری و روش‌های تولید پیشنهادی او در صنایع اتومبیل‌سازی هنوز متداول است (Nordhause, Yanz, Perkul. u). اشپرینگر نیز در کتاب خود با عنوان بازگشت به تیلریسم از استفاده از روش‌های تیلری و فوردی در برخی از بنگاه‌ها سخن می‌گوید. با وجود این به قول دوره^۱ و نوربرت^۲ حرکت چشم‌گیری در جهت افزایش آگاهی کاران و فرهنگ‌سازی کارگران در جهت فهم بهتر و شفاف‌تر جریان تولید صورت گرفته بود که نتایج آن در آستانه قرن بیست و یکم به شکل مشارکت آگاهانه تولیدکنندگان در جریان تولید بروز کرد (Doerre, / Neubert.1995). در همین ایام بود که ساختار بخشی در شرکت‌های تولیدی به تبعیت از الگوی جنرال موتورز به وجود آمد و در محیط‌های ساده و ثابت بازارهای متنوع برای آنان فراهم شد. ساختار بخشی شباهت زیاد به بروکراسی ماشینی دارد و بر اساس بازارهایی که در آنها ارائه خدمات صورت می‌گیرد، سازمان یافته و بخش‌بندی گردیده است.

در این ایام کارگر و تولیدکننده گوش به دستور بالادست خود نیستند، بلکه به قول فورم بوش و کوشوبا (Koczyba/ Vormbusch 2000. s. 169) در تولید شرکت آگاهانه و مسئولانه‌ای را پذیرفته‌اند که با اجراء مطلوب آن موجبات بهبود وضع زندگی و وضعیت اجتماعی خود را فراهم می‌سازند. سعی مدیریت در این است که ضمن قبول مسئولیت‌پذیری کارکنان و تأکید بر آن بر خلاف مدل تیلری کنترل کیفی را در سطوح افقی در چارچوبه آدهو کراسی برعهده کارکنان صاحب صلاحیت و تخصص نهاده و پرسنل را نیز از

1. Durre
2. Neubert

اهمیت عملکردشان در جریان تولید آگاه نگه دارد. ضمناً مدیران بنگاه‌ها از جامعه‌شناسان صنعتی ارائه نظر و راهنمایی علمی برای اداره بهتر بنگاه‌های خود طلب کردند که البته بسیاری از جامعه‌شناسان به این مطالبه پاسخ مثبت داده و همت خود را متمرکز بر تحقیقات میدانی کردند. به گونه دهه بیست که در آلمان جامعه‌شناسی بیشتر در خدمت بنگاه‌های تولیدی بود، در آستانه قرن بیست و یکم نیز بیشتر جامعه‌شناسان انجام تحقیقات کاربردی و علمی را برای ارائه نظریات جامعه‌شناختی توأم با ارزش‌یابی‌های سیاسی و اخلاقی ترجیح دادند. البته چنین جهت‌گیری جدید که تعداد معتابیهی از جامعه‌شناسان به آن گرویدند، سبب تضعیف نگاه کلان به جامعه شد و به قول اورت مان^۱ بسیاری از محققین مسئولیت عمومی خود برای جامعه و شفاف‌سازی رابطه جامعه و بنگاه به کلی از یاد بردند.

البته گروهی از جامعه‌شناسانی که معتقد به رعایت اعتدال در این زمینه بودند و هنوز هم هستند، یعنی تحقیق در مورد بنگاه‌ها را مغایر با تحقیقات میدانی با نگاه کلان به جامعه و بنگاه نمی‌دانستند. سعی و تلاش زیادی برای نجات جامعه‌شناس صنعتی از چنبره سفارش‌های بنگاهی بروز دادند که متأسفانه بی‌ثمر ماند و اکثر جامعه‌شناسان صنعتی قرن بیست و یکم مشاوره و رایزنی با مدیران بنگاه‌ها را بر بی‌طرفی علمی و نگاه کلان به رابطه بنگاه و جامعه ترجیح دادند. این گرایش در صنایع اتومبیل‌سازی، ماشینی‌سازی و بنگاه‌های صنعتی شیمیایی بیشتر به چشم می‌خورد. البته در کنار این جریان گروهی از محققان با زمینه اطلاعات جامعه‌شناسی روانشناسی و اقتصادی به مسائل سازمان و فن‌آوری توجه کردند و موجبات تقویت رشته‌های جامعه‌شناسی سازمان و جامعه‌شناسی فن‌آوری را فراهم ساختند، دو رشته مهمی که امروزه در بسیاری از موضوعات با جامعه‌شناسی صنعتی برخورد و استکاک حوزه تحقیق دارند.

یادداشت‌ها

۱. در این ایام هم‌زمان با روند روبه رشد جامعه‌شناسی صنعتی در جهان، جامعه‌شناسی صاحب‌نام چون دکتر توسلی، دکتر فیوضات، دکتر شیخی و دکتر فریار توجه خاصی به مباحث جامعه‌شناسی صنعتی و کار مشاغل نموده و آثار ارزنده‌ای در این زمینه از خود به یادگار نهادند.

فهرست منابع

- آبرهام، ج. ج. (۱۳۶۳): مبانی رشد جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپ آشنا، تهران.
- پرهیزگار، کمال (۱۳۶۸): روابط انسانی در مدیریت، تهران.
- رامپور صدر نوی (۱۳۵۴): بزرگان جامعه‌شناسی، باستان.
- لیوئیس کوز (۱۳۷۲): زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، انتشارات علمی، تهران.
- مورهدا، گریفنی، ک. (۱۳۸۳): رفتار سازمان، ترجمه دکتر سیدمهدی الوانی و دکتر غلامرضا معمارزاده، ویرایش جدید، انتشارات مروارید، تهران.
- وت، سیئیس (۱۳۵۲): فلسفه هگل، ترجمه دکتر حمید عنایت، جلد اول، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران.
- وحیدی، حسین (۰): تاریخ عقاید اقتصادی از آغاز تا پایان سوسیالیسم، چاپ دوم، انتشارات سینا.
- Baethge M. (2000): Der unendlich langsame Abschied vom Industrialismus und die Zukunft der Dienstleistungbeschaeftigung. USI Mitteilungen 3. S. 149- 156.
- Baethge. M: Wilkens. I(HG) (2001): Die Groesse Hoffnung fuer das 21. Jahrhundert. Opladen.
- Bahrtdt. H (1982): Die IndustriesozioLogie- eine spezielle Soziologie? In: G. Schmidt/ H. J. Braczyk/ J. V. D. Knesebeck (HG): Materialien zur IndustriesozioLogie. Sonderheft 24/ 1982 der koelener Zeitschrift fuer Soziologie und Sozialpsychologie. S.14.
- Bechtle. G. (1980): Betrieb als Strategie. Theoretische Vorarbeiten zu einem industriesozioLogischen Konzept. Frankfurt. M.
- Bell. D. Die nachindustrielle Gesellschaft. Frankfurt/ M. (original: the coming of post-industrial society. A venture in social porecasting. New York 1973.
- Benz- Overhage. Et, al. (1982): Neue Tecnologie und alternative Arbeitsteilung. Auswirkungen des Computereinsatz. Frankfurt.M.
- Braczyk. H.J/ Willsch.w.(HG)(1984): *IndustriesozioLogie Zwischen Theorie und Praxis*, Frankfurt. /M. New York. S. 31. ff.
- Braverman. H. (1977): Die Arabeit im modernen Produktionsprozess. Frankfurt. M. s. 134.
- Braverman. H: (1974) Die Arbeit im modernen Produktionsprozess. Frankfurt/ M. (original: labour and Monopoly capital. The degradatoin of work in the twentieh century. New York..s. 28.
- Briefs. Goetz(1959): Betriebssoziologie: in Vierkandt. 4. (HG): Handwoerterbuch der Soziologie NeuaufL. Stuttgart.
- Degele. N. Einfuehrung in die Techniksoziologie. Muenchen. 2002.
- Doerre.K/ Neubert J (1995). Neue Management Konzepte und industrielle Beziehungen. Berlin.

- Dreher. C/ Fleig. J. Harmischberger. M/ Klimmer M. (1995): Neue Produktionskonzepte in der deutschen Industrie, Berlin.
- F.J. Roethlisberger, W.J. Dikson: Mangement and the worker, 1939.
- Faust. M. Jauch, p, Notz, p.(2000): Befreit und Entwurzelt. Führungskraefte auf dem Weg, "internen unternehmer", Muenchen/ Mering. S. 28.
- Furstenberg. F.(1966): Industriosozologie Vorlaeufer und Fruhzeit 1835-1934 2. Aufl. Neuwied.
- Furstenberg. F: Wirtschaftssoziologie. 2. Auflage. Berlin. 1970 (Sammlung Gochen).
- Georg. Simmel.(1900): *Philosophie des Geldes Leipzig*.
- Goldthrope/ Loc wood. D. Et. Al(1970): Der wohlhabende Arbeiter in England. BD I- III. Muenchen.
- H.L. Sheppard.(1954): Approaches to conflict in american industrial sociologie: in british journal of sociologie. V/4. dez. P.327.
- Habermas. J: (1968) Technik und Wissenschaft als Ideologie. Frankfurt/ M. S 98. F.F.
- Hack. L. (1998): Technologietransfer und Wissenstransformation. Zur Globalisierung der Forschungsorganisation von Siemens. Muenster. S. 92. FF.
- Hack. L. (1987): Die dritte phase der industriellen Revolution ist keine technische Revolution. / N. G. Bechmann/ w. Ramert (HG) Jahrbuch. 4. Technik und Gesellschaft. Frankfurt, M.
- Heidenreich. M/ Schmidt. G. (HG) (1991): International vergleichende Organisationsforschung. Opladen.
- Hildebrandt, E/ Seltz. R.(HG). (1987): Managementstrategien und kontrolle. Eine Einfuehrung in die labour process debate. Berlin.
- Issing otmar(1984): *Geschichte der Nationaloekonomie Muenche*. S. 119: F.F.
- Issiong. Otmar (HG): Geschichte der national Oekonomie. Muenchen. 1984. S. 25. FF.
- Kern- Schumann. M. (1970): Das Ende der Arbeitsteilung? Rationalisierung in der industriellen Produktion. Muenchen. S 177. FF.
- Kern. H, Schumann. M: 1984: das Ende der Arbeitsteilung. Muenchen. S. 12. FF.
- Kern. Schumann. M. (1984). Das Ende der Arbeitsteilung?. Rationaliesierung in der industriellen Produktion.
- Knoradw/ paul. (1999): Innovation in der Softwaren industrie. Organisation und Entwicklungarbeit, Frankfurt/ M.
- Koczyba/ Vombusch. (2000): Partizipation als Managemenstrategie, Gruppen- arbeit und flexible Steuerung in Atuomobilindustrie und Maschinenbau. Frankfurt./ M. S. 82, 169.
- Koehler. C; Struck. O; Bulxemeier. A. (2004): Geschlossene, offene und marktformige Beschaeftigungssysteme. Jena.
- L.H. Geck.(1951): Zur Entstehungs geschichte der Betriebssoziologie in: K.G. Specht (HG). *Soziologische Forschung in unserer Zeit*. (koeln. Opladen).
- Luhmann. N(1987): Knapheit, Geld und Buergerliche Gesellschaft. in: *Jhrb. f Sozialwissenschaft, Sonderheft der kzf ss*. Opladen. S. 57-71.

- Lutz. B. (2002): Employability- wortblase oder Herausforderung fuer die Berufsbildung: Berufsbildung zwischen Struktur und Innovation. Zeitschrift fuer Berufs- und Wirtschaftspaedagogik, Beiheft 17. Stuttgart. S. 19-38.
- Lutz. B. (2002): Employability- Wortblase oder neue herausforderung fuer die Berufsbildung 2 in: Clement, U: lipsmeier. (HG): Berufsbildung zwischen Struktur und Innovation. Zeitschrift fuer Berufs-wirtschaftspaedagogik. Beiheft 17. Stuttgart. S. 29-38.
- Lutz. B./Schmidt. G.(1977): Industriesoziologie in: R. König: *Handbuch der empirischen Sozialforschung*. BD. 8. Beruf. Industrie, Saziale Wandel. Stuttgart. S 101-163.
- M.Landmann(1959): Hawthorne. Revisited.
- Marcuse. H(1967): one dimensional man. Boston. 1967.
- Nordhause- Janz. P/ perkul. U (2000) Managementnoden oder Zukunftskonzepte? Zur Entwicklung von Arbeitsstrukturen und Gruppenarbeit in Deutschland Muenschen.
- Piore. M.Y/ Sable. C. (1985): das Ende der Massenproduktion. Berlin 1984.
- Popitz. H/ Bardt, H. P/ Juers. E. A/ Kesting/ H(1977): Technik und Industriearbeit. Tuebingen.
- Ramert. W: (2002): Technik aus soziologischer Prespective. Bd. 2. Opladen.
- Schmoller. Gustav(1900): *Grundriss der allgemeinen Volkswirtschaftslehre*.
- Schoenhoven. K: Geschichte der deutschen Gewerkschaften: phasen und probleme. In: schroeder. W, Wei Ls.B (HG): Die Gewerkschaften in Politik und Gesellschaft der Bundesrepublik Deutschland, 2003 S. 42.FF.
- Schumann/ Baethge- kinsky, v/ Kuhlmann. M/ Kurz. C/ Neumanniu. U (1994) Trendreport. Rationalisierung.
- Springer. R. (1999): Rueckkehr zum Taylorismus? Arbeitspolitik in der Automobilindustrie am scheideweg. Frankfurt/ M.
- T.N. Whithead(1939): the industrial worker.
- The Human problem of an industrial civilization. (1933)
- The social problem of an industrial civilization. (1945)
- Trautwein- Kalms.G. (1995): Ein kollektiv von Individualisten? Intressenvertretung neuer Beschaeftigtengruppen. Berlin.
- W.E. Moore(1947): in einer rezension von mayos: the social problems x.s.w. in american sociological review (februar. S. 123)
- Wilbert. E. Moore: the application or development of principles of sociologie relevant to the industrial mode of production an the industrial way of life. 1948.
- Wunsch. M.V (1988): Determinanten und Spielraeume der Industriearbeit. Die Inustriesoziologische Diskussion des Verhaeltis von Technik Oekonomie und Arbeitsorganisation. seit 1945. Frankfurt. M.

مشخصات نویسنده

آقای دکتر رامپور صدر نبوی، دارای دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه هایدلبرگ آلمان و استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی است. علایق پژوهشی او در زمینه جامعه‌شناسی صنعتی و جامعه‌شناسی کار و شغل است.

آدرس: گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

Email: SaderNabavi@ferdowsi.um.ac.ir

